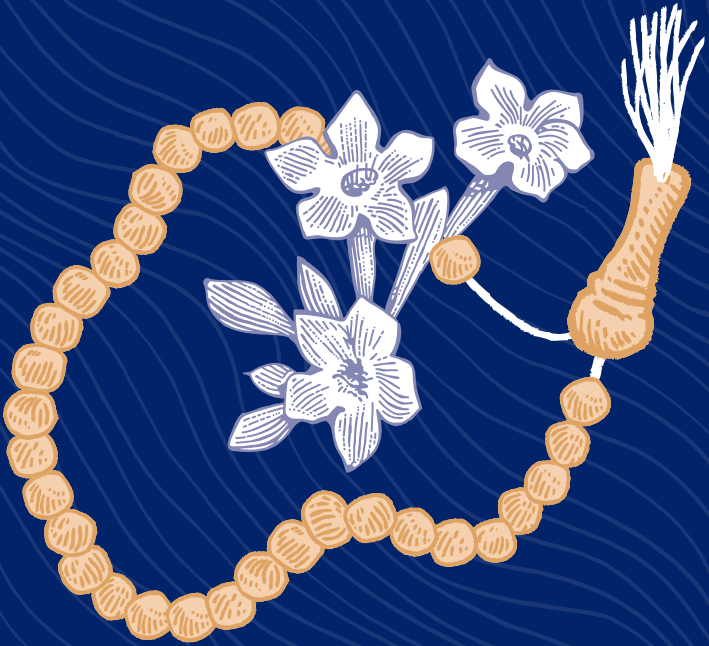




هفت مادر

فیش منبروشمند ولادت حضرت زهرا علیہا السلام

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





مادر هستی

فیش منبر های ولادت حضرت زهرا علیها السلام

نویسندگان: حجج اسلام سامان هادی پور، مسعود تاتاری، حبیب فتحی، علیرضا سمنبری

ویراستار: علی بیاتانی

مدیر هنری و طراحی جلد: محمدرضا چیت ساز

زمستان ۱۴۰۰

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.



تهران، خیابان کریمخان زند، بعد از تقاطع حافظ،
به سمت میدان ولیعصر، خیابان شهید پرویز گلایی، شماره ۱۲، ساختمان بنیاد علوی

www.alavi-bonyad.com

فهرست



پیشگفتار - ۷

جلسه اول / ۹

موضوع: مادر سنگ صبور خانواده

پیام: تعامل صحیح همسران در اختلافات، زمینه ساز ثبات خانواده و فرزندآوری بیشتر

جلسه دوم / ۳۱

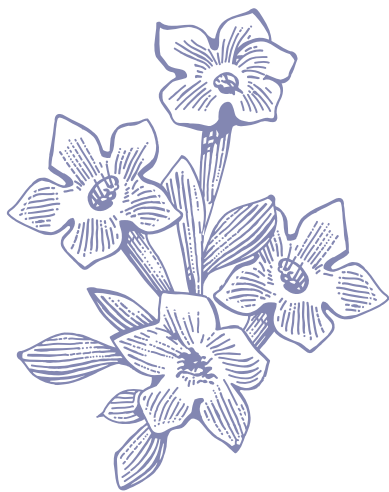
موضوع: مادر سرچشمه محبت در خانواده

پیام: روابط عاطفی موفق بین همسران زمینه ساز فرزندآوری مطلوب

جلسه سوم / ۴۹

موضوع: مادر، معلم خوبیها در خانواده

پیام: وظایف و حقوق متقابل بین همسران



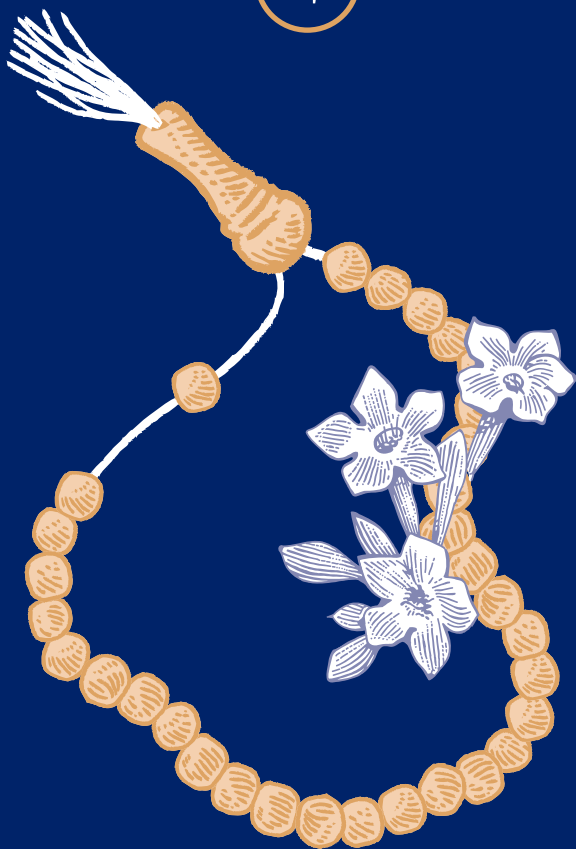


واژه زیبای « مادر هستی » وقتی با میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها همراه می شود، همه ما رو به روز تقدیر از زحمات مادران این سرزمین گره می زند، روزی که فرصت مغتنمی برای گفتن و شنیدن از برترین مادر خلقت و ارائه بهترین الگو برای مادری کردن محسوب می شود و این نوشتار به دنبال این است که در این ایام نورانی، سخنرانان مجالس بانوی دو عالم، با بیانی زیبا و تاثیرگذار به جایگاه بی بدیل مادر در خانواده بپردازند و از سرچشمه محبت خانواده بودن این فرشته های مهربان تا سنگ صبور بودنشان را به یادها آورند و آنچه مانع مادری نمونه بودن است را معرفی و برای برطرف شدنش راهکار ارائه دهد. قطعاً تجربه مادر شدن آنقدر شیرین و گواراست و فرزندان آنچنان به رحمت الهیه به قلب مادران پیوند می خورند که هر مادری عاشقانه دوست دارد بارها لذت مادر شدن را تکرار کند اما در جامعه امروز ما عواملی در روابط همسران همچون ضعف رابطه عاطفی بین زوجین یا اختلافات زیاد در روابط بین همسران، موجب میشود امنیت روحی، روانی فرزند آوری بیشتر در خانواده ها دچار مشکل شود و مجموعه فیش منبر روشمند « جواهری به نام مادر » تلاش دارد زمینه ساز ارائه بحثهایی در جلسات مناسبت میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها باشد که ضمن معرفی نقش برجسته مادران در خانواده، برخی موانع فرزندآوری مرتبط با این موضوعات را برطرف نماید. در ابتدای این اثر ضمن تشکر از عزیزانی که بنده را در تالیف این مجموعه یاری

کردند بویژه حجج اسلام تاتلاری، فتحی و سمنبری، از خداوند متعال مسئلت دارم که به نام مبارکش که در ماه رجب زمزمه می کنیم « یا من يعطی الكثير بالقلیل » کم ما را برکتی فراوان عنایت کند و منشاء خیرات و برکات کثیره قرار دهد، باشد که مورد قبول کوثر قرآن، مادر محبان امام زمان عج الله فرجه الشریف، حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها قرار گیرد ان شاء الله.

سامان هادی پور

مدیر موسسه اسرار بیان



موضوع: مادر سنگ صبور خانواده

پیام: تعامل صحیح همسران در اختلافات،
زمینه‌ساز ثبات خانواده و فرزندآوری بیشتر



✿ خطبه:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، بارئ الخلاقِ أجمعين، و الصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين وخاتم النبيين، حبيبنا وحبیبِ إله العالمين أبي القاسم المصطفى محمد، صلى الله عليه وعلى آله الطيبين الطاهرين المعصومين، ولا سيما بقيه الله فى الأرضين واللعن الدائم على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

✿ انگیزه‌سازی موضوع:

پس ازدواج حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام، فردای روز عروسی، وجود نازنین رسول الله صلی الله علیه و آله به منزل این عروس و داماد بهشتی تشریف آوردند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از امیرمؤمنان علیه السلام پرسیدند: علی جان، فاطمه علیها السلام را چگونه همسری یافتی؟

علی علیه السلام عرضه داشت یا رسول الله صلی الله علیه و آله «نعم العون على طاعة الله». یاری‌کننده‌ای نیک، در راه اطاعت خداوند.

پیامبر صلی الله علیه و آله آنگاه رو به دخترش فاطمه علیها السلام کردند و پرسیدند: فاطمه جان شما، شوهرت را چگونه یافتی؟

فاطمه علیها السلام عرضه داشتند: «خَيْرُ بَعْلِ» او را بهترین شوهر دیدم.^۱
واقعا چقدر زیباست که نگاه همسران نسبت به یکدیگر اینگونه باشد.

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۳.

❁ اقناع اندیشه موضوع

خداوند متعال در قرآن کریم در مورد ارتباط زن و شوهر و جایگاه هرکدام نسبت به دیگر می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۱
زنان لباس و پوشش برای شما مردان هستند و شما مردان پوشش و لباس برای زنانان هستید.

این آیه، استعاره‌ای است که کمال اتصال و وابستگی زن و مرد را می‌رساند. در تفسیر المیزان آمده است: ظاهر از لباس همان معنای معروف اوست؛ یعنی آنچه انسان به واسطه آن بدن خود را می‌پوشاند؛ ولی دو جمله (هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ) استعاره است از اینکه هریک از زن و شوهر مانع شود تا دیگری گرفتار گناه گردد و آن گناه را بین انسان‌های دیگر رواج دهد؛ گویا هریک از این دو برای طرف دیگر پوشش و ساتری است که معایب دیگری را می‌پوشاند.

واقعیت این است که اگر زن در خانواده عیب‌های شوهر خود را و مرد هم عیب‌های همسر خود را بپوشاند، آن خانواده گلستان می‌شود. همان‌طور که لباس، برخی از اعضای نادیدنی بدن را می‌پوشاند (به آن ساتر گفته می‌شود) لازم است زن و شوهر بر معایب همدیگر پوشش باشند؛ در این صورت زیبایی‌ها جلوه می‌کند و آبروی یکدیگر را حفظ می‌کنند.

نکته دیگری که در مورد لباس و انسان می‌شود به آن توجه کرد اینکه: رابطه‌ی انسان با لباس و بدنش، تنگاتنگ و مماس است و بیگانه در آن راه ندارد؛ بنابراین زن و شوهر نیز باید طوری به یکدیگر نزدیک باشند که بیگانگان هرگز تصور نزدیک شدن به حریم آنها را نکنند.

نکته دیگر این است که لباس‌ها در فصول مختلف گرما و سرما متفاوت است و چه بسا شرایط گوناگون منطقه‌ای سبب شود گاهی لباس تیره و گاهی لباس روشن بپوشد تا بدن انسان بهره‌ی لازم را ببرد. حالت انعطاف‌پذیری زن و شوهر نیز باید طوری باشد که در حالات گوناگون مانند فقر، غنا، شادی، حزن و گرفتاری‌های مختلف یکدیگر را درک کنند و متناسب با همان وضعیت و موقعیت، رفتار خویش را نسبت به یکدیگر تغییر دهند.

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۷.

نکته دیگر که از این آیه برداشت می‌شود اینک: لباس هرکسی در محل کار و جایی که با دیگران سر و کار دارد، با آنچه در داخل منزل می‌پوشد متفاوت است؛ پس رفتار مرد و زن با یکدیگر با برخورد آنها با دیگر افراد در خارج و یا داخل منزل باید متفاوت باشد. بسیاری از هیبت‌ها و قیافه‌ها برای بیرون خوب است، اما زن و شوهر در داخل منزل باید با بی‌آلایشی کامل و تواضع لازم با هم برخورد نمایند.

آخرین نکته نیز اینک: همان‌گونه که لباس، بدن آدمی را از آفات و آلودگی‌ها حفظ می‌کند، زن و شوهر نیز نسبت به یکدیگر باید همین‌گونه باشند و در جای خود به کانون خانوادگی گرما و لذت و شیرینی ببخشند و اسرار یکدیگر را در برابر بیگانگان برملا نکنند.

اگر بخواهیم تمام این نکات و هزاران نکته‌ی دیگر را در قالب یک زندگی به عالمیان نشان بدهیم، نمونه‌ی کامل آن، زندگی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام است.

وجود نازنین امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَىٰ أَمْرِ حَتَّىٰ قَبَضَهَا اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصْتُ لِي أَمْرًا، وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّشِفَ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ»^۱.

به خدا سوگند هیچ‌گاه فاطمه علیها السلام را به خشم نیاوردم و او را بر کاری که میل نداشت وادار نکردم تا زمانی که خداوند او را به نزد خود برد و او نیز هیچ‌گاه مرا به خشم نیاورد و از فرمان من سرپیچی نکرد و هرگاه به او نگاه می‌کردم نگرانی‌ها و غم‌هایم زدوده می‌شد.

ابوسعید خدری می‌گوید: یک روز علی بن ابیطالب علیه السلام سخت گرسنه بود؛ به فاطمه علیها السلام گفت: آیا نزد تو غذایی هست؟

حضرت فاطمه علیها السلام عرضه داشتند: سوگند به‌خدایی که پدرم را به نبوت مبعوث گردانید و تو را وصی او قرار داد! هیچ چیز نزد من نیست و دو روز است که طعامی نداشته‌ایم جز غذای مختصری که آن را به تو داده‌ام و تو را بر خود و این دو پسر، حسن و حسین علیهما السلام مقدم داشته‌ام.

علی علیه السلام فرمودند: چرا به من نگفتی تا چیزی برای شما تهیه کنم؟

۱. کشف‌الغمه، ج ۱، ص ۳۶۳.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: «یا اباالحسن! إني لأستحيي من إلهي أن أكلف نفسك ما لا تقدر عليه». ای علی! من از پروردگارم شرم دارم که چیزی از تو درخواست کنم که توان برآوردن آن را نداشته باشی.

شاید بعضی‌ها بگویند این مدل عشق و علاقه همسران به همدیگر را باید در موزه‌ها پیدا کرد، اما برای رسیدن به این مدل از ارتباط و زندگی باید عواملی که ما را از رسیدن به زندگی مطلوب دور می‌کند ریشه‌یابی کنیم و ببینیم چه عواملی ارتباط بین همسران را غیرعاشقانه می‌کند. یکی از عواملی که نقش به‌سزایی در نرسیدن به زندگی و ارتباط مطلوب بین همسران دارد، توجه نکردن به سنت حسنه‌ی تشکر کردن است.

وجود نازنین علی بن موسی‌الرضا علیهما السلام می‌فرمایند: «لَمْ يَشْكُرِ الْمُتْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ».

هرکسی سپاس مردم نعمت‌دهنده را نکوید، سپاس خدای بزرگ را نگفته است.^۲ یعنی هرکسی که اهل تشکر از مخلوق نباشد، اهل تشکر از خداوند متعال هم نیست.

امام زین‌العابدین علی بن‌الحسین علیهما السلام در حدیثی فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ... يَجِبُ كُلَّ عَبْدٍ شُكْرًا يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِعَبْدٍ مِنْ عِبِيدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَشْكُرْتُمْ فَلَانًا فَيَقُولُ بَلْ شَكْرْتُمْ يَا رَبِّ فَيَقُولُ لَمْ تَشْكُرْنِي إِذْ لَمْ تَشْكُرُوهُ ثُمَّ قَالَ أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ».

خداوند... هر بنده شکرگزاری را دوست دارد. خداوند متعال روز قیامت به بعضی از بندگانش می‌گوید: آیا از فلان شخص تشکر کردی؟ عرض می‌کند: خدایا! من شکر تو را گزاردم.

خداوند می‌فرماید: به سبب آنکه از او تشکر نکردی شکر مرا ادا ننموده‌ای.

سپس امام علیهما السلام فرمودند: شاکرترین شما در برابر خدا، شاکرترین شما در برابر بندگان خداست.^۳

این جایگاه تشکر کردن است؛ تشکر کردنی که شاید خیلی از ما برایش ارزشی

۱. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۵۹.

۲. میزان الحکمه، جلد ۶، صفحه ۲۴.

۳. الشکر حدیث، ۳۰.

قائل نباشیم؛ شاید خیلی از ما تاکنون به تشکر اینگونه نگاه نکرده باشیم و شاید تا حالا به این نکته توجه نداشتیم که جایگاه تشکر کردن از بنده‌ی خدا مانند تشکر کردن از خود خداست.

حالا شما تصور کنید در یک خانواده، همسران (به‌ویژه آقایان) توجه کامل به این ویژگی مهم داشته باشند که هرکار کوچک و بزرگ همسر خود را بدون تشکر نگذارند؛ در نتیجه فرزندان هم از پدر خانواده یاد می‌گیرند که بابت زحمات فراوان مادر خانواده ممنون او باشند و از زحمات او با زبان و عمل سپاسگزار باشند. برای خانم‌ها قدرشناسی پدر خانواده، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

گاهی خانم خانه با یک ذوق و شوقی خانه را تمیز کرده و دکوراسیون خانه را تغییر داده است تا وقتی همسرش به خانه می‌آید با فضای جدیدی روبرو شود؛ اینجا دقیقاً جایی است که آقا باید خانم را مملو از تشکر کند، زیرا این تشکرها در خانم‌ها تأثیر زیادی خواهد داشت و به‌گونه‌ای روحیه خانم‌ها را بالا می‌برد.

❁ انگیزه‌سازی پیام

آقایان با همسرانتان طوری برخورد کنید که احساس نکنند از آنها سوء استفاده می‌کنید؛ احساس سوء استفاده کردن، ارتباط مستقیمی با تشکر نکردن از محبت‌ها و لطف‌های همسران دارد. این موضوع تنها مخصوص خانم‌ها هم نیست، بلکه هر انسانی اگر احساس کند که از او سوء استفاده می‌شود حتی از کار خیر هم دست می‌کشد؛ اما خانم‌ها نسبت به این امر خیلی حساس‌تر هستند؛ کسی که در مقابل کار خیر و نیک دیگران نیز چنین اخلاقی داشته باشد قطعاً در مانع کار خیر شدن شریک است و مورد لعن خدا قرار خواهد گرفت.

وجود نازنین امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «لَعَنَ اللَّهُ قَاطِعِي سَبِيلِ الْمَعْرُوفِ وَ هُوَ

الرَّجُلُ يُصْنَعُ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ فَيَكْفُرُهُ، فَيَمْنَعُ صَاحِبَهُ مِنْ أَنْ يَصْنَعَ ذَلِكَ إِلَى غَيْرِهِ»^۱.

خدا لعنت کند کسانی را که راه نیکی کردن را می‌بندند؛ یعنی کسی که به وی خوبی می‌شود، اما او ناسپاسی می‌کند؛ در نتیجه، نیکوکار را از نیکی کردن به دیگران باز می‌دارد.

خداوند متعال با توجه به بهترین شناختی که از جنس زنان دارد، ویژگی برخورد با زنان را بسیار عالی بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»^۱.

و با آنان به نیکویی رفتار کنید و اگر از همسرانتان خوشتان نیامد چه بسا شما چیزی را خوش نداشته باشید، ولی خداوند خیر فراوان در آن قرار داده باشد.

خداوند متعال در این آیه به ما دستور می‌دهد که باید با زنان خود رفتار و اخلاق خوبی داشته باشیم، چون اخلاق و رفتار خوب در زن‌ها بسیار مؤثر خواهد بود.

در این آیه به یک سؤال هم پاسخ داده شده است؛ گاهی برخی از مردها نسبت به همسر خود اخلاق نیکویی ندارند؛ وقتی از آنها علت آن سؤال می‌شود، می‌گویند به‌خاطر اینکه از همسرم خوشم نمی‌آید! خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: شاید شما نسبت به چیزی کراهت داشته باشید، اما در آن برای شما خیر کثیری است. البته باید به این نکته هم توجه داشت که، عدم ارتباط خوب بین همسران، عوامل متعدد دیگری هم دارد که یکی از مهمترین این عوامل، این است که در خانواده، زن و شوهر در جایگاه خود قرار نگرفته‌اند.

❁ اقناع اندیشه پیام

خداوند متعال در قرآن کریم به‌صورت خیلی تخصصی و عالی جایگاه زن و مرد را در خانواده اینگونه تعریف می‌کند: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»^۲.

مردان، سرپرست و نگهدارنده‌اند، به‌خاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی دیگر قرار داده است و به‌خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان می‌کنند.

ذیل این آیه چند نکته قابل ذکر است:

اول: مفهوم اصلی آیه مربوط به شوهران و همسرانشان است؛ یعنی مردان در محیط زندگی خانوادگی مسئولیت سرپرستی و مدیریت خانواده را برعهده دارند؛ بنابراین نمی‌توان گفت جنس زن باید تحت سرپرستی جنس مرد قرار بگیرد؛ همان‌طور

۱. نساء، ۱۹.

۲. نساء، ۳۴.

که می‌دانیم مردان به‌عنوان فرزند تحت قیومیت و مدیریت والدین و از جمله مادران خود هستند و به‌هر مقامی (علمی و سیاسی) که برسند، دستورات مادر برای آنان واجب‌الاتباع است.

دوم: برتری‌هایی که خداوند متعال برای مردان قرار داده، دو مفهوم می‌تواند داشته باشد:

الف) برتری در توانایی کسب کمال، جهات انسانی، کرامت، فهم و شعور حقائق و ...

ب) برتری از جهت توانایی اداری، اجرایی، قدرت دفاع، تحمل کارهای سخت و سنگین.

باید دانست که برتری‌های مذکور در آیه کریمه طبق نظر مفسرین، برتری از جهت دوم است و منافاتی با برتری‌های زن از جهات دیگر ندارد.

هیچ شکی نیست که توانایی اداری و اجرایی و دفاع از حریم خانواده، حریم اقتصادی و ... عموماً و غالباً در مرد بیشتر است و زنان بالطبع عاطفی و احساسی بوده و طبیعت آنها مبنی بر عطف و ظرافت است؛ یعنی قطعاً خانم‌ها از لحاظ احساس و عاطفه و محبت نسبت به مردها برتری دارند.^۱

همچنین علاوه بر اینکه تعریف نشدن جایگاه مرد و زن در خانواده موجب مشکلات خانوادگی می‌شود، برخی برخوردهای هیجانی در خانواده نیز مشکل‌آفرینند. این برخوردهای هیجانی می‌تواند هم از طرف خانم‌ها باشد، هم از طرف آقایان؛ اما برخوردها و تصمیم‌های هیجانی از جانب خانم‌ها به مراتب بیشتر است؛ در این مواقع مردها باید بتوانند این نوع برخوردها را مدیریت کنند؛ چون اگر مدیریت نشوند، زمینه‌ساز مشکلات بزرگتری می‌شوند.

در همین زمینه وجود نازنین امیرالمؤمنین علیه السلام بزرگ روانشناس عالم هستی می‌فرمایند: «فَدَاؤُهُمْ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسِنُوا لَهُنَّ الْمَقَالَ لَعَلَّهُنَّ يُحْسِنَنَّ الْفِعَالَ». با زن‌ها در همه حال مدارا کنید و با ایشان خوب سخن بگویید.^۲

اینکه حضرت علیه السلام می‌فرمایند در همه حال با آنها مدارا کنید و خوب سخن

۱. تفسیر نمونه، جلد ۳، تفسیر ص ۳۶۵ تا ۳۶۹.

۲. الفصول المهمة، ج ۲، ص ۳۳۲.

بگویید، یکی از مصادیقش آنجایی است که زن‌ها برخوردهایی تند و رفتاری هیجانی دارند.

اما یک نکته بسیار مهم اینکه، وقتی می‌گوییم آقایان هنگام برخوردهای هیجانی و تصمیم‌های نابه‌جای خانم‌ها، با آنها مدارا کنند، به این معنا نیست که خانم‌ها چنین برخوردهایی و تصمیم‌هایی داشته باشند.

✿ پرورش احساس پیام

در زمان رسول الله ﷺ زنی بود به نام حولاء که کارش فروش عطر بود، به منزل پیامبر اکرم ﷺ می‌رفت و به همسران آن حضرت ﷺ عطر می‌فروخت. روزی همسر این خانم از او خواست تا به وظیفه‌اش نسبت به شوهرش عمل کند، ولی او حرف شوهرش را گوش نداد. شب شوهر این خانم با ناراحتی عازم مسجد شد تا نماز بگذارد؛ حولاء به دنبالش رفت، ولی او روی برگرداند؛ به سببش رفت و دست راست و سر او را بوسید، ولی شوهر همچنان محبت او را نمی‌پذیرفت. حولاء فهمید که او به شدت از وی عصبانی است.

صبح که شد، نمازش را خواند و پوشیه (مقنعه) بر صورت زد و راهی منزل رسول خدا ﷺ شد؛ چون رسید دق الباب کرد و گفت: آیا اجازه می‌فرمایید بر شما وارد شوم؟ خدای شما را رحمت فرستد.

ام سلمه زوجه مکرمه رسول اکرم ﷺ صدایش را شنید و او را شناخت؛ به کنیزش گفت برو و در را باز کن؛ کنیز در را باز کرد و حولاء وارد شد؛ ام سلمه گفت:

چه شده است و در چه حالی؟ البته حولاء بهترین زمانه خود بود؛ او پاسخ داد، بی‌بی از خداوند عالمیان خائتم؛ شوهرم بر من خشم گرفته و می‌ترسم من هم به کینه او دچار شوم و از او خشم گیرم؛ ام سلمه گفت: بنشین، عصبانی مشو تا رسول خدا ﷺ بیاید.

حولاء نشست و با ام سلمه مشغول گفت‌وگو شد؛ در این اثنا رسول خدا ﷺ وارد شدند و فرمودند: حولاء را نزد شما می‌بینم! آیا به شما از عطرهاش نداده است؟

ام سلمه عرض کرد: خیر بلکه آمده از حق همسرش از شما سؤال کند؛ سپس داستان را برای ایشان بازگفت؛ حضرت ﷺ در پاسخ و در بیان حقوق شوهر به حولاء چند نکته مهم بیان کردند؛ از جمله فرمودند:

۱. ای حواء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت و هدایت کننده و هدایت شونده برانگیخت، اگر شوهر بر زن خشم گیرد خداوند بر او خشم گرفته است.
۲. ای حواء! هیچ زنی نیست که نمازش را بگذارد و ملازم خانه اش باشد و همسرش را اطاعت کند مگر اینکه خداوند گناهان گذشته و آینده او را ببخشد.
۳. ای حواء! جایز نیست زن بیش از حد توان مرد بر او تحمیل کند و جایز نیست شکوه همسرش را نزد احدی از خلائق چه دور یا نزدیک ببرد.
۴. ای حواء! واجب است زن بر ضرر و نفع شوهرش و بر تنگدستی و گشاده دستی او صبر کند، همان طور که همسر ایوب علیه السلام بر او صبر کرد؛ این زن هجده سال بر او صبر کرد؛ او را بردوش خود حمل می کرد و خودش گندم ها را آرد می نمود و لباس ها را شست و شو می داد؛ برای همسرش نان می آورد و خدای را سپاس می گفت؛ او را در پارچه می پیچاند و بر روی دوشش حمل می کرد و همه را به خاطر شفقت و احسان و تقرب به سوی خدا انجام می داد.
۵. ای حواء! حق زن بر شوهر این است که شکمش را سیر کند و بدنش را بپوشاند و نماز و روزه و زکوة (البته اگر اموالی دارد) به وی بیاموزد و البته زن در اینگونه واجبات نباید با او به مخالفت پردازد.
۶. ای حواء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برانگیخت، جانشین پروردگار متعال بر زن، مرد است؛ پس اگر مرد از زن راضی باشد، خدا از او راضی است و اگر مرد از زنش ناخشنود باشد و بر او کینه داشته باشد، خداوند بر او خشمگین است و او مغضوب خدا و فرشتگان اوست.
۷. ای حواء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برانگیخته است، همانا پروردگارم به من محمود عطا فرمود و بهشت و جهنمش را به من نشان داد؛ پس مشاهده کردم که اکثر اهل جهنم زنانند. من گفتم: ای دوستم جبرئیل چرا چنین است؟ وی گفت: به خاطر کفرشان؛ گفتم: به خداوند کفر می ورزند؟ گفت: نه آنها کفران نعمت می کنند؛ گفتم: چگونه؟ گفت: اگر همه زمانه شوهر آنها به آنها نیکی کند، سپس خطایی نسبت به او از شوهر سرزند، گوید من از تو هیچ گاه خیری ندیده ام.

۸. ای حواء! هیچ زنی نیست که آبی پاکیزه برای شوهرش آورد مگر اینکه خداوند از هر رنگی در بهشت برای او خلق کند و به او بگوید، بخور و بیاشام در مقابل اعمالی که در گذشته انجام داده‌ای.

۹. ای حواء! زنی نیست که سخنی از شوهرش بشنود و بر آن صبر کند مگر اینکه خداوند به قدر هر کلمه‌ای که شنیده و بر آن صبر نموده است، برای او مزد روزه‌گیر و مجاهد در راه خدا را بنویسد.

در ادامه رسول الله ﷺ به حواء فرمودند:

برادرم جبرئیل همواره مرا در مورد زنان سفارش می‌کرد به طوری که من گمان بردم جایز نیست شوهرش به وی اف گوید. او به من گفت: ای محمد ﷺ از خدای متعال در مورد زنان بترس، چراکه آنها اسیران دست شما آیند؛ شما امانات الهی را اخذ کرده‌اید؛ به فرمان خدا و سنت و شریعت محمد ﷺ آنها را برخورد حلال ساخته‌ای...

همان‌طور که پیامبر مکرم اسلام ﷺ توصیه‌های فراوانی جهت رابطه زن با شوهرش دارد، توصیه‌هایی نیز برای مردها در برخورد با همسرانشان دارند. در روایتی دیگر رسول الله ﷺ می‌فرماید: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ اِنِّي اِحْبَبُّكَ لَا يَدْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا اَبَدًا»^۲.

این سخن مرد که به همسرش می‌گوید: واقعاً تو را دوست دارم، هرگز از قلبش خارج نخواهد شد.

این جایگاه زن و شوهر و ارزش آنها در نظر خداوند متعال در یک خانواده است. اگر همین برخوردها و رفتارها امروز در یک زندگی جریان پیدا کند قطعاً آن زندگی به گلستان تبدیل خواهد شد؛ زیرا تمامی این توصیه‌ها، بر مبنای فطرت انسان است و ربطی به زمان و مکان ندارد.

از توصیه‌های مشترک امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب «سازگاری» زوجین در زندگی مشترک است:

۱. مستدرک الوسائل (محدث نوری)، ج ۱۴، ص ۲۳۸ و جامع احادیث الشیعه (بروجردی)، ج ۲۵، ص ۵۱۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳.

اینکه می‌گویند شما سازگار باشید، یعنی شما با هر وضعیتی که هست و پیش آمده بسازید. معنای سازگاری این است. یعنی چیزهایی در زندگی پیش می‌آید. خوب دو نفرند باهم تا حالا آشنایی نداشتند، زندگی نکردند، ممکن است فرهنگشان دو تا باشد. ممکن است عاداتشان دو تا باشد. اول ممکن است یک ناسازگاری‌هایی ببینند، حالا اول ازدواج که نه آدم هیچ متوجه نیست. بعد از چند وقتی که گذشت، ممکن است یک ناسازگاری‌هایی حس کند، آیا باید اینجا از هم سرد شوند و بگویند: این مرد یا این زن دیگر به درد من نمی‌خورد؟! نه! شما باید خودتان را با این مسأله تطبیق دهید. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید و اگر دیدید نه، کاری‌اش نمی‌شود کرد، خوب با او بسازید.^۱

بنابراین، خانواده‌ی متعادل و خانواده‌ای که تعامل‌ها و سازگاری‌ها به شکل صحیحی بین پدر و مادر شکل گرفته است، بستر مناسبی برای تربیت فرزندان است.

خانواده باید مانند یک باغچه‌ای باشد که تمام شرایط رشد گل (فرزندان) در آن فراهم است؛ باید خاک حاصلخیز، آب مناسب و نور آفتاب مناسب در یک خانواده باشد تا فرزندان‌ی مثل گل در آن پرورش پیدا کنند. اما چنانچه بستر یک خانواده و فضای ارتباط بین همسران مناسب نباشد، بزرگترین ظلم‌ها به فرزندان آن خانواده می‌شود.

گاهی زن و شوهر در اختلافات، راحت‌ترین کار یعنی طلاق را انتخاب می‌کنند! درست است که در ظاهر، طلاق راحت‌ترین کار به نظر می‌رسد، ولی مبعوض‌ترین عمل حلال در نزد خداوند متعال است.

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «مَا أَحَلَّ اللَّهُ شَيْئًا أَبْعَصَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ».^۲

خداوند چیزی را که نزد او منفورتر از طلاق باشد، حلال نکرده است. بزرگ‌ترین ظلمی که با طلاق صورت می‌گیرد، ظلم به فرزندان است؛ فرزندان‌ی که غیر از خدا هیچ کسی را ندارند. وجود نازنین حضرت سیدالشهدا علیه السلام در آخرین

۱. خطبه عقد مورخه ۱۶/فروردین/۷۹. www.tasnimnews.com/fa/

۱۵۰۰۱۱۲/۰۱/۰۶/۱۳۹۶/news

۲. کنزالعمال، ۲۷۸۷۱.

لحظات عمر مبارکشان در روز عاشورا به فرزند خود امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «یا بُنَّیَّ اِیَّاكَ وَ ظُلْمَ مَنْ لَا یَجِدُ عَلَیْكَ نَاصِرًا اِلَّا اللّٰهَ»^۱.

ای فرزندم، برحذر باش از ظلم به کسی که در برابر تو، هیچ یاری کننده‌ای به جز خداوند ندارد.

یکی از مصداق‌های مظلوم، فرزندان طلاق هستند که قربانی می‌شوند. گسترش طلاق به‌عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی سبب از هم‌گسیختگی اجباری در خانواده‌ها شده و بیشترین آسیب روحی - روانی در اینگونه خانواده‌ها به فرزندان وارد می‌شود. والدین، حامی بزرگی در زندگی کودکان به‌شمار می‌آیند که از دست دادن این حامی باعث زود فریب خوردن و منحرف شدن آنها می‌شود.

شاید آسیب‌های فراوانی فرزندان طلاق را تهدید می‌کند که بی‌خوابی، بی‌اشتهایی، رفتارهای ناهنجار اجتماعی، فرار از خانه، افت تحصیلی، اختلال هویتی، به هم خوردن تعادل روحی، روانی و جسمی، بروز مشکلات تربیتی، ترک تحصیل، بروز سوء تغذیه، پرخوری عصبی، احساس حقارت، سرخوردگی و درماندگی از جمله این آسیب‌هاست.

کودکان طلاق بیشترین افراد بزهکار در سطح جامعه را تشکیل می‌دهند؛ چون یک ناسازگاری با اجتماع خود دارند و برای خود آینده‌ی خوبی متصور نیستند. انزوای اجتماعی، نداشتن قاطعیت و استقلال، کاهش اعتماد به نفس، اضطراب، افسردگی، انحرافات اجتماعی، اجتماع‌ستیزی، دیگرآزاری، احساس ناامنی، حسادت، سوءظن، پرخاشگری، انواع خشونت‌ها، زودرنجی، بدبینی نسبت به دیگران، ولگردی، بزهکاری، دزدی، اعتیاد، فقر، خودکشی و کاهش میل به ازدواج از دیگر آسیب‌های فرزندان طلاق بعد از جدایی پدر و مادر محسوب می‌شود.

فقر عاطفی فراگیرترین مشکل این فرزندان به‌شمار می‌رود؛ چون به‌لحاظ عاطفی ارضا نمی‌شوند.

فرزندان طلاق در بسیاری از مواقع در همسرگزینی و سازگاری با محیط پیرامون خود دچار مشکل هستند و در اکثر زمان‌ها نگاه منفی به اجتماع دارند و تمام اینها ناشی از طلاق والدین است.^۲

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۳۱.

۲. <https://www.irna.ir/news> . ۲ ۸۲۵۳۹۰۰۴

✿ رفتارسازی پیام

توسل به اهل بیت علیهم السلام در مورد برطرف کردن اختلافات بسیار نقش دارد. خدایا به حق حضرت فاطمه زهرا علیها السلام توفیق سازگاری و حل مشکلات به خانواده‌های محبین امیرالمؤمنین علیه السلام عنایت بفرما. چند راه‌کار مهم جهت آرامش فضای خانواده هنگام اختلافات و تنش‌ها عبارتند از:

✦ سکوت

یکی از بهترین راه‌کارها در اختلافات، سکوت است. گاهی ادامه‌دار بودن اختلافات به خاطر این است که دو طرف نمی‌خواهند در مقابل دیگری کم بیاروند و احساس می‌کنند اگر سکوت کنند طرف مقابل پُر رو می‌شود. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌فرمایند: «دَاوُوا أَلْعَصَبَ بِالصَّمْتِ»^۱. خشم را با سکوت درمان کنید.

گاهی نیز اختلافات زن و شوهرها سبب خوشحالی شیطان می‌شود. از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است: «إِذَا اخْتَصَمَتْ هَيَّ وَ زَوْجُهَا فِي الْبَيْتِ فَلَهُ فِي كُلِّ زَاوِيَةٍ مِنْ زَاوَيَاتِ الْبَيْتِ شَيْطَانٌ يُصَفِّقُ وَ يَقُولُ: فَتَحَ اللَّهُ مِنْ فَرْحَنِي»^۲. زمانی که زن با همسرش در منزل مرافعه و مشاجره می‌کند (دقیقاً) در همان زمان در هریک از زوایای منزل یک شیطان مشغول کف زدن و شادمانی است و می‌گوید: خدایش خوشحال کند کسی که مرا این چنین شاد و خوشحال کرده است. شیطان نمی‌تواند عاشقانه زندگی کردن یک زن و شوهر در کنار هم را ببیند؛ چون وقتی زن و شوهر با محبت به هم نگاه کنند خداوند به آنها نظر رحمت دارد. از طرف دیگر گمان نکنید اگر هنگام مشاجره، سکوت کردید بازنده این مسابقه هستید؛ خیر. کسی که زودتر از دیگری دعوا و اختلاف را کنار بگذارد، برنده‌ی میدان مسابقه و امتحان خداوند است.

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرمایند: «أَنَا زَعِيمٌ بَيْتٍ فِي رِبْضِ الْجَنَّةِ وَ بَيْتٍ فِي وَسْطِ الْجَنَّةِ وَ بَيْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ لِمَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقًّا»^۳.

۱. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۷۶.

۲. لثالی الأخبار، ج ۲، ص ۲۱۷.

۳. خصال، ترجمه فهری، ج ۱، ص ۱۶۳.

من ضامن یک خانه در کرانه‌ی بهشت، یک خانه در وسط آن و یک خانه در مرتبه بالای آن برای کسی هستم که کشمکش در سخن را ترک گوید، گرچه حق با او باشد؛ کسی که دروغ را ترک کند گرچه به طور شوخی باشد و کسی که خوش اخلاق باشد.

❖ گذشت و بخشش

یکی دیگر از راه‌کارهای حل اختلافات در خانواده‌ها، گذشت و بخشش است که می‌تواند جلوی از هم پاشیده شدن خانواده‌ها را بگیرد. گذشت و بخشش دیگران را دست کم نگیرید؛ خیلی وقت‌ها گذشت از دیگران، موجب عفو و بخشش خدای متعال می‌شود. خداوند متعال در سوره نور می‌فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱.
آنها باید عفو کنند و چشم ببوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است!

❖ مشاوره گرفتن از اهل خبره

از دیگر راه‌کارهایی که در اختلافات آن هم اختلافات اساسی و بزرگ، راه نجات از پاشیدگی خانواده است، مشورت با مشاوران خوب و خبره است.
مولی امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «لَا مَظَاهِرَةَ كَالْمَشُورَةِ»^۲.
هیچ پشت‌گرمی و محکم‌کاری در کارها مطمئن‌تر از مشورت کردن نیست.
شایان ذکر است که، در اختلافات خانوادگی حداقل امکان از پدر و مادر و خواهر و برادر خودتان مشورت نگیرید؛ چون ناخواسته محبت آنها به شما، مانع از دادن یک مشورت از روی عقل و مصلحت می‌شود و اغلب اینگونه مشورت‌ها به جای رفع مشکلات، معمولاً موجب افزایش اختلافات می‌شود. چنانچه دسترسی به مشاور خبره ممکن نبود، خوب است که به ریش سفیدان باتجربه مراجعه گردد.
اما نکاتی که ضروری است در انتخاب مشاور به آن توجه کنیم:

۱. نور، ۲۲.

۲. نهج البلاغه، کلمه ۱۰۹

۱. تجربه: امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند: «برترین مردمی که با او مشورت می‌کنی باید دارای تجربه‌های فراوان باشند.

۲. آگاهی به امور: مراد از این سخن، برخورداری فرد مشاور از تخصص و علم در مبحث مورد مشورت است.

امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند: «با کسی که نادان در کار توست مشورت مکن»^۱.

۳. عاقل بودن، مهربانی، خیرخواهی، رازداری، ایمان و تقوا

✦ پرورش احساس موضوع

اگر خانواده‌ای با استفاده از تمام این راه‌کارها و هزاران راه‌کار دیگر، به درجه آرامش خانوادگی رسیدند، خروجی و نتیجه آن فرزندآوری و تربیت فرزندان در مسیر اهل بیت است.

خروجی زندگی‌های سالم مانند زندگی امیرالمومنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیه السلام است؛ نتیجه آن دختری مانند زینب کبری علیه السلام است که ایثار و فداکاری را از مادر خود آموخته است. حضرت زینب کبری علیه السلام (مثل مادرش زهرا) مرضیه در دفاع از ولایت) برای حفظ جان اسرا و کودکان، به ویژه جان امام سجاد علیه السلام خطر را به جان خود می‌خرد. او در ماجرای کربلا حتی از سهمیه آب خویش استفاده نمی‌کرد و آن را به کودکان می‌داد. در بین راه کوفه و شام باینکه خود گرسنه و تشنه بود، ایثار را به بند کشید و آن را شرمنده ساخت؛ او نه تنها در بزرگی ایثار داشت که در کودکی نیز اهل ایثار بود.

شبی امیرمؤمنان علی علیه السلام مهمانی را به خانه آورد چون آن مرد شام نخورده بود، علی علیه السلام به همسرش فرمودند: فاطمه جان! آیا غذایی برای مهمان داریم؟ فاطمه زهرا فرمود: علیه السلام چیزی در خانه نداریم، فقط یک قرص نان که سهم دخترم زینب علیه السلام است. زینب که کودکی بیش نبود، گفت وگویی پدر و مادرش را شنید؛ بی‌درنگ از رختخواب برخاست و نزد مادر آمد و گفت: مادر جان! غذای مرا به مهمان بده من صبر می‌کنم! علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام از این رفتار دخترشان بسیار خشنود شدند.^۲

۱ . <https://snn.ir/fa/news/202886>

۲ . ریاحین الشریعه، همان، ج ۳، ص ۲۷.

صبر و ایثار در همه جا ارزشمند است، به ویژه صبر و ایثار برای حفظ حریم خانواده که ارزشمندترین نوع صبرهاست. رسول الله ﷺ در این خصوص می فرماید: «مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا مِثْلَ (ثَوَابِ) آسِيَةِ بِنْتِ مُزَاجِمٍ»^۱. هر زنی در برابر بد اخلاقی شوهرش شکیبایی ورزد، خداوند همانند (ثواب) آسیه (همسر فرعون) به او عطا کند.

در جایی دیگر وجود نازنین حضرت محمد مصطفی ﷺ می فرماید: «ثَلَاثَةٌ نَسَاءٌ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ، وَ حَشْرَهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: امْرَأَةٌ صَبْرَتْ عَلَيَّ عَسْرَ زَوْجِهَا، وَ امْرَأَةٌ صَبْرَتْ عَلَيَّ سَوْءَ خُلُقِ زَوْجِهَا، وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقَهَا»^۲. خداوند سه زن را از عذاب قبر ایمن دارد و با فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ محشور فرماید: زنی که به هنگام تنگدستی شوهر صبر کند (و از او جدا نشود)؛ زنی که با بد اخلاقی شوهر بسازد (و تقاضای طلاق ننماید)؛ زنی که مهرش را (به شوهر بی بضاعتش) ببخشد.

فکر نکنید روایات ما فقط مربوط به صبر زن در برابر شوهر است؛ درجایی دیگر وجود نازنین رسول الله ﷺ می فرماید: «مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ وَ احْتَسَبَهُ، أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ يَصْبِرُ عَلَيْهَا مِنَ الثَّوَابِ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى بَلَاءِهِ، وَ كَانَ عَلَيْهَا مِنَ الْوِزْرِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مِثْلَ رَمْلِ عَالِجٍ»^۳. هر مردی که به خاطر خدا و به امید پاداش او در برابر بد اخلاقی همسرش صبر کند و آن را به حساب خدا گذارد، خداوند متعال برای هر روز و شبی که شکیبایی می ورزد، همان ثوابی را به او دهد که به ایوب عَلَيْهِ السَّلَامُ در قبال بلائی که دید، عطا کرد و گناه زن نیز در هر روز و شب به اندازه ریگ های ریگستان باشد.

تمام این روایات و ثواب هایی که برای صبر در اختلافات بیان شده، برای این است که روابط بین همسران گرم و صمیمی گردد و محیط خانواده از هم پاشیده نشود. اگر صبر و تحمل در زندگی ها نباشد و یک زندگی به مرحله طلاق برسد، حاصل آن زندگی یعنی فرزندان، بیشترین ضرر را متحمل می شوند.

۱. بحار الأنوار: ۱۰۳ / ۲۴۷ / ۳۰ منتخب میزان الحکمة: ۲۵۴.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت، قم، سال ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۸۵.

۳. ثواب الأعمال: ۳۳۹ / ۱ / منتخب میزان الحکمة: ۲۵۴.

معاون رئیس کل دادگستری استان سیستان و بلوچستان گفت: براساس یافته‌های موجود در حال حاضر ۳۰٪ از آمار زندانیان کشور مربوط به ازدواج‌های ناموفق بوده است؛ درصد بالایی از کودکانی که در کانون‌های اصلاح و تربیت کشور تحت مراقبت‌اند نیز از فرزندان طلاق هستند.^۱

اگر بخواهیم تبعات طلاق و تأثیر آن بر روی فرزندان را بشماریم، قطعاً به لیست بلند بالایی می‌رسیم؛ از جمله این پیامدها عبارتند از:

کمبود اعتماد به نفس؛

کمبود محبت و عاطفه؛

تخلیه نشدن بارهای منفی روانی؛

عدم توانایی در پیش برد رابطه عاشقانه؛

احساس تنهایی؛

نداشتن رضایت کافی از زندگی و هزاران پیامدهای دیگر که هرکدام به‌تنهایی می‌تواند شخصیت یک نفر را به خاک و خون بکشد.

بنابراین اگر در زندگی مشترک، آنجایی که اختلافی به‌وجود می‌آید از معجزه صبر استفاده کنیم، قطعاً دیگر این پیامدهای منفی بر حاصل زندگی ما (فرزندان) اثر نخواهد کرد و فرزندى با شرایط متعادل به جامعه تحویل خواهیم داد.

✿ رفتارسازی موضوع

پس اگر بخواهیم در زمان اختلافات دستمان را از دامن صبر کوتاه نشود، باید ابتدا جایگاه صبر و صابرین را به‌نحو احسن درک کنیم. بزرگترین امتیازی که در قرآن کریم برای صابرین به آن اشاره شده این است که خدای متعال همواره با صابرین همراه است. «وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۲

و صبر کنید که خداوند با شکیبایان است.

چه چیزی بالاتر این، که دست آدم در دست خدا باشد و همیشه خدا را همراه خود ببیند. تمام بدبختی‌های ما برای این است که خدا را همراه خود نمی‌بینیم؛

۱ . <https://www.mizan.news/fa/news> . ۹۴۲۶۰

۲ . انفال، ۴۶.

خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: ای کسانی که اهل صبر هستید من خدا با شما هستم. این جایگاه و ارزش صبر است که گاهی آن را کوچک می‌شماریم. سیدهاشم حداد، عارف بزرگ و از شاگردان آیت‌الله قاضی، مادر زنی بسیار پرخاشگر و تندخو داشت که سیدهاشم را بسیار اذیت می‌کرد. مرحوم سیدهاشم روزی به خدمت علامه قاضی می‌رسد و می‌گوید: آزار زبانی و کارهای مادر زنم، بیش از حد زیاد شده است و صبر من نیز تمام شده؛ می‌خواهم اجازه بدهید زنم را طلاق دهم.

ایشان فرمودند: آیا با همسرت مشکلی داری؟ گفتم: خیر.

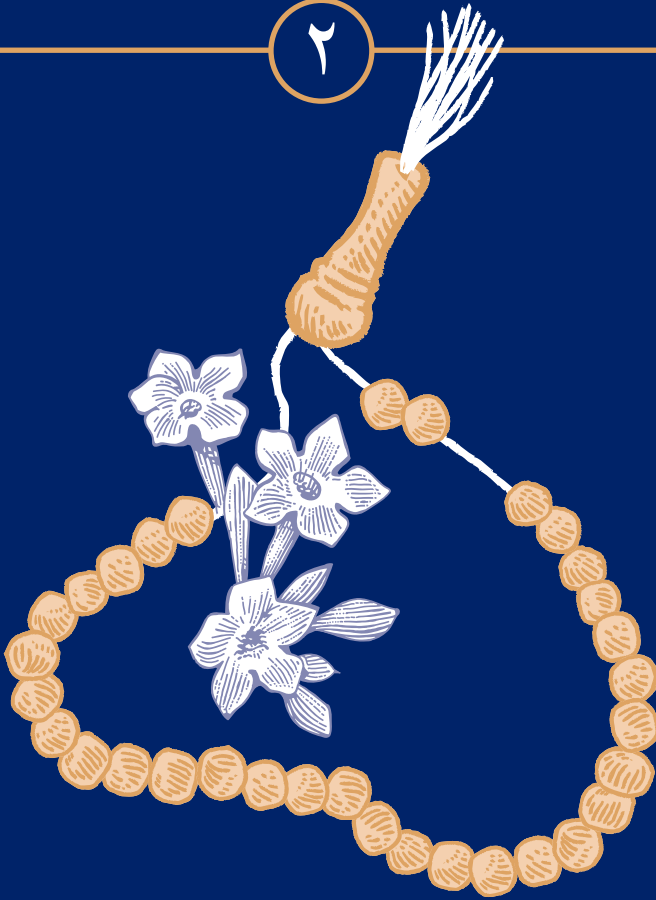
فرمودند: هرگز راه طلاق نداری؛ برو و صبر پیشه کن؛ تربیت تو با صبر در مقابل مادر زنت می‌باشد؛ این جریان گذشت و بنده طبق دستور استاد عمل می‌نمودم؛ تا اینکه یک شب تابستانی که خسته و گرسنه و تشنه به منزل آمدم، مادر زنم از شدت گرما لب حوضچه نشسته و بر روی پاهایش آب می‌ریخت؛ با ورود من، ناسزا و فحش شروع شد؛ بنده هم تا این وضعیت را دیدم، داخل اتاق نرفتم و از راه پله‌ها به سوی بام حرکت کردم، ولی او دست بردار نبود؛ صدایش را همین‌طور بلند و بلندتر می‌کرد تا حدی که همسایه‌ها نیز می‌شنیدند.

صبرم تمام شد و خواستم چیزی بگویم که یاد کلام استادم افتادم؛ بی‌آنکه پاسخی بدهم، به پایین آمده و از خانه خارج شدم؛ در کوچه و خیابان بدون هدف و ناراحت می‌گشتم؛ ناگهان حالتی نورانی برایم پیش آمد و دری بر رویم باز شد و احساس سبکی و راحتی کردم و دیگر غمناک و ناراحت نبودم. این حالت در کربلا برایم پیدا شد؛ این توفیق معنوی برایم ایجاد نشد، مگر به خاطر تحمل و صبر و اطاعت از استاد که اگر نبود این صبر و بردباری، آن غمناکی‌ها و پریشانی‌ها همچنان ادامه داشت.^۱

بدی‌ها به صبر از مهان بگذرد
سر مرد باید که دارد خرد

صبر معجزه است؛ معجزه‌ای که زندگی‌ها را شیرین می‌کند؛ معجزه‌ای که فرزندان صالح تحویل جامع می‌دهد و کانون زندگی را گرم می‌کند و برای فرزندآوری و تربیت صحیح فرزندان موقعیت را فراهم می‌کند.

ان‌شاءالله به حق مولود این ایام، ما نیز از معجزه صبر بی‌بهره نباشیم و زندگی تمام شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام و زهرای مرضیه علیها السلام گرم و صمیمی باشد.



موضوع: مادر سرچشمه محبت در خانواده

پیام: روابط عاطفی موفق بین همسران
زمینه‌ساز فرزندآوری مطلوب





✿ خطبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، بَارِئِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، وَ الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، حَبِيبِنَا وَحَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ، وَ لَا سَيِّمًا بَقِيَهُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنَ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

✿ انگیزه‌سازی موضوع

چند وقت پیش در شبکه‌های مجازی کلیپی پخش شد که در آن از افراد برای استخدام در یک شغل مصاحبه می‌گرفتند. در این مصاحبه متصدی شغل، ابتدا توضیحاتی در مورد شغل ارائه می‌داد تا مخاطبان با شغل مورد نظر آشنا شوند. طبیعی است کسی که می‌خواهد در یک شغل استخدام شود، ابتدا باید از وظایف و شرایط آن شغل اطلاعاتی داشته باشد و بداند که از او چه می‌خواهند. در این مصاحبه نیز مصاحبه‌کننده توضیحاتی در مورد شغل به مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌دهد. ابتدا می‌گوید: این فقط یک شغل نیست، بلکه به‌نوعی احتمالاً مهمترین شغل شماست.

بعد می‌گوید: عنوانی که برای این شغل در نظر گرفتیم مدیر عملیات‌هاست، ولی در واقع خیلی گسترده‌تر از این حرف‌هاست و مسئولیت‌ها و شرایط لازم برای این شغل خیلی وسیع است.

با این توضیحات، حساسیت و دقت مصاحبه‌شونده در مورد این شغل بالا می‌رود و منتظر شرایط شغل می‌شود.

متصدی استخدام سپس شرایط شغل را اینگونه بیان می‌کند:

اولین شرط لازم برای این شغل تحرک است؛ این شغل مستلزم این است که شما بیشتر وقت‌ها باید سرپا و دائم درحال تحرک باشید و کمتر می‌توانید بنشینید و استراحت کنید؛ یعنی دائم درحال خم و راست شدن هستید.

مخاطبین استخدام، با تعجب منتظر شنیدن ادامه شرایط هستند؛ بعضی نیز این شغل را جزو مشاغل سخت می‌دانند و می‌پرسند: آیا این شغل قانونی است؟ چند ساعت در هفته باید کار کرد؟ متصدی استخدام پاسخ می‌هد: تقریباً ۲۴ ساعته است.

متصدی استخدام ادامه می‌دهد: یکی دیگر از شرایط این شغل این است که شما باید روابط بین فردی بالایی داشته باشید. کسی که استخدام می‌شود باید در زمینه‌های مالی، پزشکی و هنر آشپزی و ... دارای مدرک باشد؛ در اصل باید همه‌فن حریف باشد؛ باید نسبت به افراد اطراف خود توجه کامل داشته باشد و گاهی باید شب تا صبح را با آنها بیدار باشد. همچنین این کار تعطیلی سال نو و استراحت و غیره ندارد و به مرور زمان هم کار او بیشتر می‌شود.

در نهایت می‌گوید: این شغل هیچ حقوق و دستمزدی هم ندارد.

بعد از مصاحبه‌شوندگان می‌پرسد: آیا این شغل را قبول می‌کنید؟

پاسخ‌هایی که مخاطبین استخدام می‌دهند بسیار جالب است:

یکی می‌گوید: این شغل ظالمانه است و تقریباً یک شوخی بی‌مزه است.

دیگری می‌گوید: این کار غیرانسانی است.

یکی از مخاطبان با تعجب می‌پرسد: آیا کسی اصلاً این شغل را انتخاب

می‌کند؟

متصدی استخدام می‌گوید: الان میلیاردها نفر این شغل را انتخاب کرده‌اند.

با این پاسخ، تعجب مخاطبین استخدام بیشتر می‌شود و می‌پرسند: چه کسانی

حاضرند چنین شغلی را قبول کنند؟

متصدی در پاسخ می‌گوید: مادر

مصاحبه شوندگان تا کلمه مادر را می شنوند و یاد زحماتی می افتند که مادرانشان سال ها برای آنها بدون حقوق و دستمزد کشیده اند، به گریه می افتند و تازه متوجه می شوند که مدیون مهربانی ها و خوبی های فرشته ی مهربان زندگی شان هستند. بنابراین فرشته گانی به اسم «مادر» در دنیای ما هستند که بدون هیچ حقوقی این شغل را قبول کرده اند و عاشقانه در آن مشغول به خدمت هستند. اگر این محبت و مهربانی و از خودگذشتگی در مادران نبود قطعاً هیچ خانواده ای رنگ و بوی آرامش به خود نمی دید.

✿ اقناع اندیشه موضوع

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱. و از نشانه های خدا این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند!

جالب اینکه قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است و با تعبیر پرمعنی «لِتَسْكُنُوا» مسائل بسیاری را بیان کرده است. به راستی وجود همسران برای انسان ها یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می شود.

این آرامش از آنجا ناشی می شود که این دو جنس مکمل و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگرند؛ به طوری که هریک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه ی نیرومندی وجود داشته باشد. از اینجا می توان نتیجه گرفت کسانی که پشت پا به این سنت الهی می زنند، وجود ناقصی دارند؛ چراکه یک مرحله تکاملی آنها متوقف شده است (مگر آنکه به راستی شرایط خاص و ضرورتی ایجاب تجرد کند).

اما مسأله «مودت» و «رحمت» در حقیقت «ملات» و «چسب» مصالح ساختمانی جامعه انسانی است؛ چراکه جامعه نیز مانند ساختمان عظیم و پرشکوهی که از

۱. روم، ۲۱.

آجرها و قطعات سنگ‌ها تشکیل می‌شود، از فرد فرد انسان‌ها تشکیل شده است. اگر این افراد پراکنده و آن اجزاء مختلف، با هم ارتباط و پیوند پیدا نکنند «جامعه» یا «ساختمانی» به‌وجود نخواهد آمد.

یکی از استادان بزرگ مباحث خانواده، تعبیر زیبایی درباره این مودت و رحمت داشت؛ ایشان می‌فرمود: هنگامی که عقد ازدواج بین یک زن و مرد خوانده می‌شود، مرسوم است که اقوام و فامیل‌ها به عروس و داماد هدیه می‌دهند؛ ایشان می‌گفت هدیه خداوند هم به این عروس و داماد «مودت و رحمت» است که زندگی آنها را شیرین و با دوام می‌کند. اما این دو هدیه تفاوت‌هایی با هم دارند و شاید تفاوت میان «مودت» و «رحمت» از جهات مختلفی باشد که در تفاسیر اینگونه آمده است:

۱. «مودت»: انگیزه‌ی ارتباط در آغاز کار است؛ اما در پایان که یکی از دو همسر ممکن است ضعیف و ناتوان گردد و قادر بر خدمتی نباشد «رحمت» جای آن را می‌گیرد.

۲. «مودت»: در مورد بزرگترهاست که می‌توانند نسبت به‌هم خدمت کنند؛ اما کودکان و فرزندان کوچک در سایه «رحمت» پرورش می‌یابند.

۳. «مودت» غالباً جنبه‌ی متقابل دارد؛ اما رحمت یک‌جانبه و ایثارگرانه است؛ زیرا برای بقای یک جامعه، گاهی خدمات متقابل لازم است که سرچشمه آن مودت است؛ گاهی نیز خدمات بلاعوض که نیاز به ایثار و «رحمت» دارد.^۱

علامه طباطبایی رحمته‌الله ذیل تفسیر این آیه کریمه در تفسیر شریف المیزان می‌فرماید:

کلمه «مودت» تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد؛ در نتیجه نسبت مودت به محبت، نسبت خضوع است به خشوع؛ چون خضوع آن خشوعی است که اثر آن در مقام عمل هویدا شود؛ به خلاف خشوع که به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید. «رحمت» به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار می‌کند به اینکه

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص: ۳۹۱.

در مقام رفع آن نقص برآید و او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند.^۱ رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم عقد یک زوج جوان درباره محبت ورزیدن می فرمودند:

محبت ورزیدن، یک امری است که در اوّل کار خدای متعال این را به شما می دهد؛ سرمایه ای است که در اوّل ازدواج، خدا به دختر و پسر هدیه می کند. به یکدیگر محبت پیدا می کنند. این را باید نگه داشت. محبت همسر شما به شما، وابسته به عمل شماست. اگر بخواهید همسران به شما آن محبتش محفوظ بماند، باید رفتار خودتان را محبت برانگیز کنید. حالا معلوم است که انسان چه کار باید بکند تا محبتش معلوم شود. بایستی وفاداری کنید؛ امانت نشان بدهید؛ صفا نشان بدهید. توقّعات خود را خیلی بالا نبرید؛ باید همکاری کنید؛ باید اظهار محبت کنید. اینها محبت ایجاد می کند. هر دو نسبت به هم این وظیفه را دارند. محبت در زندگی باید باشد. همکاری باشد، ایرادگیری و زیاده طلبی نباشد.^۲

در همین زمینه رسول مکرم اسلام ﷺ می فرمایند: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَدْخَلَ عَلَيْهِمْ بَابَ رَفَقَةٍ»^۳.

هرگاه خداوند خیر خانواده ای را بخواهد باب ملایمت و مهربانی را به روی آنان بگشاید.

آن طور که از این آیه و روایات فهمیده می شود، قوام اصلی یک خانواده، بسته به مودت و محبتی است که بین اعضای آن خانواده جریان دارد؛ به ویژه محبتی که توسط مادر در نهاد خانواده جریان پیدا می کند.

محبت مادر در یک خانواده یک سر و گردن از تمام اعضای خانواده بالاتر است؛ مادر سرچشمه ی جریان دهنده آب حیات محبت در خانواده است. مادر قلب تپنده ی خانواده است؛ همان طوری که وظیفه ی قلب در بدن انسان پمپاژ خون به تمام قسمت ها و اعضای بدن است، مادر نیز وظیفه ی پمپاژ محبت در تمام اعضای خانواده را دارد.

۱. ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص: ۲۵۰.

۲. خطبه ی عقد مقام معظم رهبری مورخه ی ۱۹/۱۲/۱۳۷۶ <https://snn.ir/fa/news/19/12/1376> ۵۷۷۹۰۹

۳. شرح نهج البلاغه: ۳۳۹/۶.

بدنی که قلب در آن دست از پمپاژ خون بکشد و از کار بیافتد، قطعاً حیات برای او معنایی ندارد؛ خانواده‌ای هم که مادر نقش پمپاژ نمودن محبت را در خانواده انجام ندهد، قطعاً نمی‌تواند به حیات طبیعی خود ادامه دهد. خانواده‌ای که در آن محبت نباشد، (با توجه به اینکه محبت یکی از ارکان خانواده است) آن خانواده مرده‌ای زنده‌نماست.

اجازه بدهید یک سؤال خیلی مهمی مطرح کنیم:

چه اتفاقی در خانواده می‌افتد که مادر خانواده - که خدا آن را لبریز از محبت قرار داده و به صورت طبیعی اهل محبت و پمپاژ محبت در خانواده و قلب تپنده‌ی خانواده است - دیگر نمی‌تواند به نحو احسن پمپاژ محبت نماید و نمی‌تواند خانواده را از محبت و عشق سیراب کند و فرزندان با محبتی را تحویل اجتماع دهد؟ واقعا چه اتفاقی می‌افتد که قلب تپنده‌ی خانواده دیگر صحیح کار نمی‌کند؟

علت‌های مختلفی وجود دارد که منجر به این نقص می‌شود و سرچشمه محبت خانواده، نمی‌تواند اعضای خانواده را از محبت سیراب کند. یکی از علت‌ها این است که، آب حیات و چشمه محبت خانواده از سرچشمه گل‌آلوده شده است و گاهی جوشش چشمه محبت خانواده کور شده است.

شاید سؤال شود که چطور این اتفاق می‌افتد؟

در پاسخ باید گفت: محبت برای زن مانند اکسیژن است؛ همان‌طور که انسان بدون اکسیژن نمی‌تواند به زندگی ادامه دهد و به وظایف خود عمل کند، زن‌ها هم بدون محبت دیدن نمی‌توانند وظیفه‌ی ابراز و پمپاژ محبت خود را به درستی انجام دهند.

برای اینکه مادر بتواند وظیفه‌ی فطری خود را به خوبی انجام دهد، همه اعضای خانواده وظیفه دارند مادر خانواده را سیراب از محبت کنند که در این بین همسر یک خانم، مهمترین و بهترین فردی است که می‌تواند خانم و مادر خانواده را به لحاظ محبتی، به درجه اشباع برساند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ، فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَأَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيَصْفُو عَيْشُكَ»^۱.

۱. جامع‌أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۵، ص ۵۴۰.

زن همچون شاخه گل است؛ او کسی نیست که بار سنگین مسئولیت بر دوشش بگذاری. در هر حال با او مدارا کن و رفتاری نیکو داشته باش تا زندگی ات با صفا شود.

چقدر زیبا بزرگ معلم و طیب روح و جان، راه کار زندگی با صفا را به ما آموزش می دهد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: با زن خود رفتاری مناسب و نیکو داشته باش تا صفا در زندگی شما مهمان شود. واقعاً در خانواده هایی که شوهر اهل محبت به همسر خود است، مادر خانواده به نحو احسن به پمپاژ محبت در خانواده می پردازد.

✿ انگیزه سازی پیام

بسیاری از خانواده ها به دلیل رعایت نکردن برخی نکات جزئی، هرگز طعم صفا و صمیمیت را در زندگی خود نچشیده اند. آیا کسی هست که زندگی با صفا را دوست نداشته باشد؟ آیا کسی هست که دوست نداشته باشد لحظه لحظه ی زندگی اش سرشار از محبت و صمیمیت و خاطرات خوب باشد؟ یا کسی هست که نخواهد بهترین لحظه های زندگی را در کنار خانواده اش با محبت و مهربانی بگذراند؟ قطعاً چنین زندگی زیبایی جزو آرزوهای همه است؛ اگر کسی پیدا شود که روش رسیدن به چنین مدلی از زندگی را به ما بدهد با کمال میل از او قبول می کنیم.

✿ افتاح اندیشه پیام

یکی از مهمترین دلایل عاطفی نبودن رابطه بین همسران، این است که زن و شوهر نوع محبت کردن به همدیگر را بلد نیستند و برای رسیدن به یک رابطه عاطفی مناسب هیچگاه آموزش ندیده اند. بیشتر مردها در برقراری رابطه ی عاطفی با همسر خود مشکل دارند و اصلاً بلد نیستند به خانم خود محبت کنند.

یکی از اعتراض های بسیاری از خانم ها این است که می گویند: شوهرم به من محبت نمی کند؛ وقتی از مرد می پرسیم، چرا به خانمت محبت نمی کنی؟ آیا او را دوست نداری؟ می گوید: من عاشق زنم هستم؛ برایش می میرم؛ صبح تا شب کار می کنم تا خانم و خانواده ام در آسایش و راحتی باشند.

مرد حقیقتاً راست می‌گوید؛ واقعاً برای خانمش می‌میرد و عاشق اوست؛ اما چون نمی‌تواند ابراز محبت کند و این عشق و دوست داشتن و محبت را به خانمش نشان بدهد، همسرش فکر می‌کند شوهرش دوستش ندارد. حالا چنانچه این آقا یاد بگیرد که به خانمش ابراز محبت کند، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»^۱.

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمودند: این سخن مرد که به همسر خود بگوید «دوستت دارم» هیچ‌گاه از دل زن بیرون نمی‌رود.

بنابراین، آقایی که واقعاً عاشق خانمش هست، باید این عشق و دوست داشتن را به زبان هم ابراز کند و به او بگوید که «دوستت» دارم. اگر مرد یک کلمه به خانمش بگوید دوستت دارم، رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هیچ‌وقت از دل او بیرون نمی‌رود. باور کنید خیلی از ما معجزه‌ی محبت را ندیده‌ایم و نشناخته‌ایم.

چند روش برای محبت نمودن مردان به زنان:

۱. وقتی به خانه باز می‌گردید، قبل از هرکاری با همسران دست داده و با او حال و احوال کنید؛

۲. از تغییراتی که در فضای خانه، تغییر دکوراسیون و پوشش لباس انجام شده، تشکر کنید؛

۳. حداقل نیم‌ساعت از وقت خود را به همسران اختصاص دهید تا او حرف بزند و شما شنونده‌ی خوبی باشید؛

۴. اگر دیر به منزل می‌رسید، حتماً با تلفن به همسران اطلاع بدهید؛

۵. اگر مشکلی برای او یا خانواده همسران پیش آمده است با او همدردی کنید؛

۶. وقتی همسران با شما صحبت می‌کند از خواندن روزنامه و دیدن تلویزیون خودداری کنید؛

۷. گرفتاری‌ها و پیش‌آمدهای تلخ را با بدزبانی و بدخلقی در خانه تلافی نکنید؛

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۳.

چون همسر شما از صبح برای آسایش شما تلاش کرده و از شما پاداشی جز لبخند نمی‌خواهد؛

۸. ناراحتی‌های خود را بدون عصبانیت و پرخاش، در کمال آرامش به همسرتان بگویید؛ چون دلسوزتر و بامحبت‌تر از او کس دیگری وجود ندارد؛

۹. وقتی از کار طاقت‌فرسای بیرون وارد منزل می‌شوید، مسائل و مشکلات بیرون را از یاد ببرید و به فکر کار و خیال خود نباشید و بیشتر با همسرتان درباره‌ی آینده و خوبی‌های زندگی صحبت کنید؛

۱۰. کارهای همسر خود را تحسین کنید. تمجید و ستایش زن، کلید کامیابی در زندگی زناشویی است؛

۱۱. جلوی فامیل از دست‌پخت همسرتان تعریف کنید. برنارد شاو می‌گوید: «اگر مردها از دست‌پخت همسران خود تعریف کنند، زن‌ها پای اجاق گاز خودکشی خواهند کرد!»!

نگاه به روایات به ما می‌فهماند همین کارهای ساده نزد خدا عبادت محسوب می‌شود و بسیار ثواب دارد و همین رفتارها سلوک عبادی داخل خانه است. جالب است که بدانید همین کارهای به‌ظاهر کوچک، هم دنیای ما، هم آخرت ما را می‌سازد.

رسول مکرم اسلام ﷺ در یک روایت می‌فرمایند: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ اِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا»!

نشستن مرد کنار زن و فرزندانش نزد خداوند محبوب‌تر از اعتکاف در این مسجد من (مسجدالنبی) است.

گاهی نیز آقایان به همسرشان محبت می‌کنند، ولی همسر به دلایل گوناگون این مهر و محبت را نمی‌بیند؛ یعنی محبت مرد به چشم همسرش نمی‌آید.

مرد خانواده می‌گوید: اهل محبت هستم و آنچه لازمه‌ی محبت کردن به همسر و خانواده است انجام می‌دهم، ولی گویی اصلاً محبت‌ها به چشم خانم نمی‌آید.

از خانم هم که سؤال می‌شود، می‌گوید: همسرم خیلی محبت می‌کند، ولی محبت‌هایش

به دلم نمی چسبید!! چون وقتی شوهر خودم را به لحاظ مادی با شوهر خواهرم مقایسه می کنم، می بینم شوهر من خیلی بی عرضه است؛ تدبیر و مدیریت ندارد ... گاهی محبت از طرف شوهر محبتی درخور است، ولی خانم خانواده دریافت خوبی از محبت همسر ندارد. مواردی که موجب می شود محبت مرد، توسط زن دیده نشود را می توان این گونه لیست کرد:

۱. توجه و تمرکز خانم روی کمبودهای شوهر خود و توجه نداشتن به نکات مثبت

همسر؛

۲. مقایسه شوهر خود با دیگران از لحاظ مالی و ...

در این زمینه یکی از مهمترین عوامل پاشیده شدن زندگی ها، مقایسه های بی جا است. مردی زنش را با زن دیگر مقایسه می کند و از همسر خودش خوشش نمی آید و زنی که شوهر خودش را با مردان دیگر مقایسه می کند، این همسران با دست خود زندگی شان را نابود می کنند. گاهی این مقایسه ها، باعث دیده نشدن محبت ها است.

انتظارات نامعقول از طرف مقابل، محبت میان افراد را کم خواهد کرد. از آنجاکه هر انسان، ضعف هایی دارد، باید تلاش شود بدی ها نادیده گرفته شود و نقاط قوت مد نظر قرار گیرد.

۳. عدم گفت و گو پیرامون حل مشکلات در خانواده: گاهی زن مشکلات و دل خوری هایی از شوهر دارد، ولی به او نمی گوید و این دل خوری ها و مشکلات انباشته می شود و زن نسبت به شوهر خود احساس تنفر پیدا می کند.

۴. تخریب شوهر از ریشه و بن: بعضی خانم ها همین که مشکلی در زندگیشان پیش می آید به شوهرشان می گویند: من که از تو هیچ خیری ندیدم.

در این زمینه امام صادق علیه السلام می فرمایند: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ قَالَتْ لِرُؤُوسِهَا مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْرًا قَطُّ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهَا»!

هر زنی به شوهرش بگوید: من از تو هرگز خیری ندیدم، [ثواب] کارش از بین می رود.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

✿ پرورش احساس پیام

حالا اگر در یک خانواده فرستنده و گیرنده‌ی محبت هر دو به نحو احسن کار فرستندگی و گیرندگی خود را انجام بدهند چند اتفاق مهم در آن خانواده رخ می‌دهد:

۱. خانواده‌ای در آرامش: اگر در یک خانواده‌ای رابطه‌ی عاطفی موفق برقرار باشد، آرامش در آن خانواده - که رکن اساسی است - به وجود خواهد آمد.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»^۱

او خدایی است که (همه) شما را از يك فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید.

طبق این آیه، هدف ازدواج رسیدن به آرامش است که این آرامش با وجود یک رابطه‌ی عاطفی موفق در خانواده به وجود خواهد آمد.

۲. لذت از زندگی مشترک: دومین اثری که رابطه موفق عاطفی در خانواده دارد، این است که اعضای خانواده از بودن در کنار همدیگر لذت می‌برند و هیچ‌گاه از کنار همدیگر بودن احساس سیری نمی‌کنند.

۳. فرزندان متعادل و موفق بیشتر: سومین اثر هم این است که فرزندان متعادل بیشتری را به جامعه تحویل می‌دهند.

الان یکی از مشکلات خانواده‌ها در فرزندآوری این است که زن و شوهر چون رابطه‌ی عاطفی موفق ندارند و در خانواده احساس امنیت روانی نمی‌کنند، نداشتن این امنیت، موجب می‌شود به فرزندآوری فکر نکنند.

اما اگر در یک خانواده، رابطه عاطفی بین زن و شوهر، رابطه‌ای موفق بود، این خانواده دیگر به دلیل ناامنی روانی نه تنها از فرزندآوری جلوگیری نمی‌کند، بلکه با یک فضای پر از آرامش و امنیت روانی، به سمت فرزند بیشتر متعادل و با تربیت می‌رود؛ ولی اگر در یک خانواده‌ای این رابطه موفق نبود، زن و شوهر با یک فضای سرد عاطفی و پر از تنش مواجه می‌شوند که حسرت یک لحظه لذت از حضور همدیگر را می‌خورند.

۱. اعراف، ۱۸۹.

✿ رفتارسازی پیام

شاید بسیاری از ما برای رسیدن به یک محیط سرشار از آرامش و آسایش، لحظه شماری کنیم و منتظریم که کلیدهای موفقیت در این رابطه‌های عاطفی مناسب را بدانیم. برخی از این کلیدهای مهم و کاربردی عبارتند از:

۱. استفاده از معجزه زبان: اگر زبان انسان در مسیر اهداف قرار گیرد معجزه می‌کند. گاهی یک چرخاندن زبان به ابراز محبت، معجزه‌ای می‌کند که انسان آثار آن را سال‌های سال می‌بیند.

گاهی برخی افراد خجالت می‌کشند به همسرشان محبت کنند. باید گفت اولاً: این کار خجالت ندارد؛ ثانیاً: اگر خجالت می‌کشید چهره‌به‌چهره ابراز محبت کنید، ابتدا با پیامک بعد با تلفن شروع کنید تا کم‌کم خجالت‌ها بریزد. شاید سؤال شود اگر فقط بگوییم «دوستت دارم» کافی است؟

در پاسخ باید گفت: اگر آدم هر روز قرمه‌سبزی بخورد باینکه ممکن است عاشق این غذا باشد، ولی تکرار یک نوع غذا آدم را متنفر می‌کند؛ پس اگر هر روز تنها به همسر بگوییم دوستت دارم، این تکراری بودن از جذابیت آن می‌کاهد. بنابراین، بهتر است یک بار بگوییم دوستت دارم؛ یک بار از غذای او تعریف کنیم؛ از چیدمان خانه تعریف کنیم و خوبی‌های همسرمان را به رخ او بکشیم؛ خانم‌ها هم باید نسبت به شوهر خود همین کار رو بکنند.

۲. استفاده از معجزه هدیه: معجزه دوم هدیه دادن است؛ این معجزه فوق‌العاده است. آقایان به هر بهانه‌ای برای همسرتان هدیه بگیرید. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «تهادوا و تحابوا» هدیه بدهید که محبت را زیاد می‌کند.^۱

✿ پرورش احساس موضوع

اگر از این روش‌ها به تناوب استفاده کنید، قطعاً خانواده و تمام اعضای آن به رشد و بالندگی می‌رسند.

حتماً شنیده‌اید که می‌گویند: فرزند صالح، گلی از گل‌های بهشت است؛ طبیعی

۱. عوالی الثالی، ج ۱، ص ۲۹۴.

است که این گل به آب و خاک و آفتاب مناسب نیاز دارد تا به کمال گل بودن خودش برسد. محبت مادر برای بچه‌ها نقش آبی است که به صورت متناوب به اجزای گل می‌رسد؛ وجود خود مادر خاک نیز حاصل‌خیزی است که آب را به گل می‌رساند؛ پدر هم جایگاه آفتاب را در پرورش گل دارد.

اگر در یک خانواده مجموعه‌ی این موارد رعایت بشود و به‌واسطه رعایت این ظرافت‌ها، رابطه‌ی عاطفی همسران شرایط مطلوبی پیدا کند، آن وقت چنین زوجی مشتاق داشتن فرزندان متعدد خواهند بود؛ چون از طرفی فرزندان ثمره‌ی عشق همسران به‌یکدیگر است و از طرفی نیز در چنین خانواده‌ای فرزندان متعادل و صالح تربیت خواهند شد.

در خانواده‌ای که رابطه‌ی عاطفی موفق را تجربه کرده‌اند، فرزندانشان واقعاً مثل گلی از گل‌های بهشت می‌مانند.

نمونه‌ی این رابطه موفق را می‌توان در رابطه علامه طباطبایی رحمته‌الله و همسرشان دید.

کتاب «تفسیر المیزان» علامه طباطبایی یکی از کتاب‌هایی است که بزرگان عرفان و اسلام آرزو داشتند کاش نویسنده‌ی این اثر ماندگار و ارزشمند بودند و حتی در نوشتن سطر از آن سهم داشتند. حالا علامه طباطبایی با دست و زبان خودش نه تنها این کتاب، که تمام کارهای علمی و کتاب‌هایش را نصف به نصف با یک بانو (همسرشان) سهیم شده است. بانویی که از اقوام او و بزرگ‌زادگان تبریز بوده است. این بانوی مکرمه زندگی مرفه و خوبی در خانه پدری و حتی مدتی در خانه همسرش در تبریز تجربه کرده است، اما برای اینکه همسرش از معارف و دانش دور نماند به سکونت در قم رضایت داده است. اتاقی که با یک پرده از وسط نصف شده بود. یک طرف اتاق مادر و فرزندانش زندگی می‌کردند و طرف دیگر کلاس درس و بحث علامه طباطبایی و شاگردانش برپا می‌شد.

پسرشان مهندس «عبدالباقی طباطبایی»، خاطره‌ای از دلدادگی، مهر و صفای بین مادر و پدرش می‌گوید که مربوط به مهاجرت از تبریز (خانه و زندگی خوب و مرفه) به قم و زندگی در یک اتاق است. او می‌گوید: «وقتی به مادرم گفتم که مادر جان شب عید وقت مسافرت نیست و خواستم گله کنم که چرا از تبریز با این امکانات قرار است برویم قم، گفت:

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست
می‌کشد هر جا که خاطرخواه اوست
رشته بر گردن نه از بی‌مهری است
رشته‌ی عشق است و بر گردن نکوست...

همسر شهید مطهری درباره این بانو که دختر یکی از تجار تبریزی اما زنی قانع و فهمیده بوده این‌طور روایت می‌کند: «خانم حتی لباس‌هایش را خودش می‌دوخت. پیراهن‌شان قدیمی شده بود و کهنه باید یکی می‌دوخت؛ به علامه سفارش کرد تا موقع برگشت پارچه بخزند. وقتی پارچه را آوردند دیدم چندان پارچه خوب و مناسب پیراهن نیست. وقتی به خانم گفتم ایشان گفتند: پارچه‌ای که علامه بخزند حتماً خوب است.»

نزدیکان و فرزندان بانو «قمرالسادات مهدوی» خاطره جالبی درباره رسیدگی‌های او به این عالم بزرگ بیان می‌کنند. اینکه ساعت را به وقت نماز شب کوک می‌کرده و علامه را که گاه تا دیروقت برای خواندن و نوشتن بیدار بوده و تازه به خواب رفته بود را بیدار می‌کردند.

رأس ساعت‌های مشخصی بی‌سروصدا بدون اینکه حواس علامه از تحقیق و مطالعه پرت شود، در اتاق را باز می‌کرده تا هم هوایی عوض شود هم طبق معمول یک استکان چای کم‌رنگ برایشان می‌برده و برمی‌گشته است. بارها از علامه شنیده بودند که می‌گفت: «این خانم به حدی به من کمک می‌کند که گاه اطلاع از چگونگی تهیه قباب خود ندارم». یعنی خودش پارچه می‌خریده و می‌دوخته و قباب آماده را به همسرش پیشکش می‌کرده است. سال ۱۳۴۴ که اجل آمد و یار علامه فوت شد تا مدت‌ها دل‌ودماغ درس و بحث علامه سرد شد و کلاس درس را موقتاً تعطیل کرد.

صدای گریه‌های بلند علامه جگرسوز بود و در وصف این هجران گفته بود: «وقتی این بانو از دنیا به سرای آخرت شتافت، زندگی من دگرگون شد. شریک من در کارهای علمی بوده و هرچه کتاب نوشته‌ام نصفش مال این خانم است». علامه پولی به آشنایی سپرده بود تا شب‌های جمعه به نیابت از همسرش به زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام برود.

علامه اواخر عمر برای معالجه به خارج از کشور رفته بود؛ پزشکان گفته بودند این مغز به اندازه ۷۰۰ سال کارکرده و تمام چروک‌هایش باز شده و علاجی برای درمان نیست. اگر بین این عاشق و معشوق چرتکه بیاندازی همه چیزشان نصف، نصف است. ۳۵۰ سال از این هفتصدسال سهم بانو قمرالسادات است. این رابطه‌ی عاطفی یکی از عواملی است که موجب تربیت فرزندان ارزشمند می‌شود.^۱

اما اگر در یک خانواده رابطه‌ی عاطفی موفق حاکم نباشد، مانند کشوری است که عاری از امنیت اقتصادی است و هیچ‌کس جرأت سرمایه‌گذاری در آن را ندارد؛ زیرا امنیت اقتصادی نیست. در چنین خانواده‌هایی جرأت سرمایه‌گذاری یعنی فرزندآوری نیست؛ ولی اگر ارتباطات در خانواده مدیریت شد، قطعاً امنیت روانی برای فرزندآوری نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

❁ رفتارسازی موضوع

خانواده‌ها باید حتماً امنیت روانی خانواده را بالا ببرند. رسیدن به امنیت روانی در خانواده، در گرو داشتن رابطه عاطفی موفق است. خانواده‌هایی که می‌خواهند به این مرحله از زندگی موفق برسند، باید احترام مادر در آن خانواده حفظ شود؛ باید مادر در آن خانواده جایگاه ملکه‌ای را داشته باشد که همه دور آن بچرخند.

سید احمد خمینی فرزند حضرت امام علیه السلام در خاطرات خود می‌نویسد:

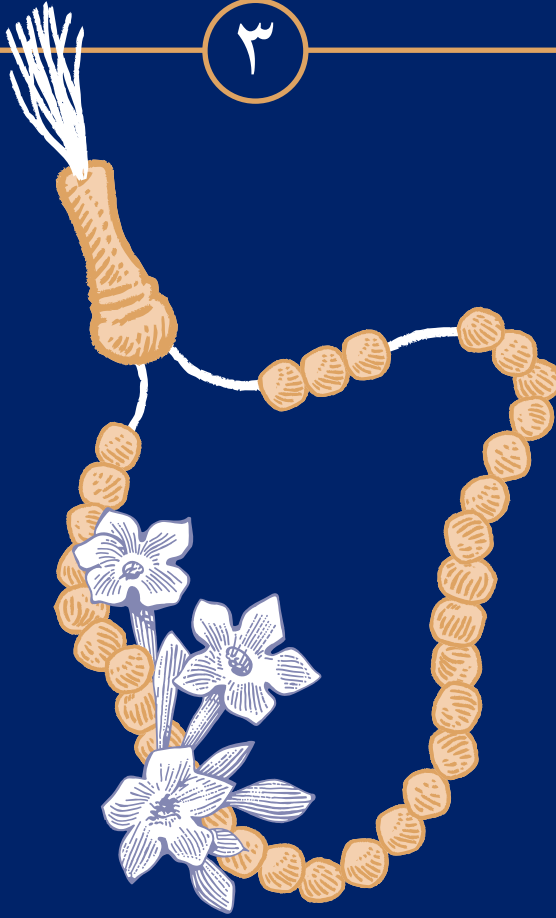
پدر، مادرم را خیلی دوست داشتند و در داخل منزل هم این دوست داشتن را هیچ‌گاه پنهان نمی‌کردند. تا وقتی که مادر سر سفره نمی‌آمد، پدر لب به غذا نمی‌زدند. در امور خانه به مادر کمک می‌کردند. حتی پدر برای مادر نامه‌های عاشقانه می‌نوشتند.^۲

این نمونه‌ای از احترام حضرت امام خمینی علیه السلام به همسرشان در خانواده بود. باید تمام خانواده‌ها از این روش در احترام به جایگاه مادر استفاده کنند.

۱. خیرگزاری فارس، «رابطه علمای مشهور با همسرشان چطور بود؟» صفحه خانواده، ۱۲-۲۱.

۲. پرتال امام خمینی علیه السلام کد مطلب: ۴۹۹۹۲.

ان شالله به حق مولود این ایام حضرت فاطمه علیها السلام همه زندگی های ما رنگ و بوی خدا و اهل بیت علیهم السلام بگیرد و مهر و محبت در زندگی های ما روزبه روز افزایش پیدا کند.



موضوع: مادر، معلم خوبیها در خانواده

❖ پیام: وظایف و حقوق متقابل بین همسران ❖



✿ خطبه:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، بارئ الخلائق أجمعين، و الصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين وخاتم النبيين، حبيبنا وحبیب إله العالمين أبي القاسم المصطفى محمد، صلى الله عليه وعلى آله الطيبين الطاهرين المعصومين، ولا سيما بقيه الله في الأرضين واللعن الدائم على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

✿ انگیزه‌سازی موضوع

وجود نازنین امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: در دوران کودکی، شبی بیدار ماندم و مادرم زهرا علیها السلام را نظاره می‌کردم، درحالی‌که مشغول نماز شب بود. پس از آنکه نمازش به پایان رسید متوجه شدم که در دعاهایش يك مسلمين از همسایه‌ها را نام می‌برد و آنها را دعا می‌کند. خواستم بدانم که درباره‌ی خودش چگونه دعا می‌کند و از خداوند برای خود چه خیر و سعادت می‌خواهد؟ با کمال تعجب دیدم که برای خود دعا نکردند.

فردا از مادرم حضرت زهرا علیها السلام سؤال کردم: مادر جان چرا برای همه دعا کردی، اما برای خود دعا نکردی؟

حضرت فاطمه علیها السلام پاسخی فرمودند که باید آویزه گوش تمام مؤمنین باشد؛ اگر همه مؤمنین به پاسخ راه‌گشای بی‌بی دوعالم توجه کنند، جامعه و بلکه عالم گلستان خواهد شد.

حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: «یا بُنِی! الجار ثم الدار»^۱.

پسرم! اول همسایه بعد خانه!

در ظاهر پاسخ حضرت زهرا علیها السلام چهار کلمه بیشتر نبود، اما چهار کلمه‌ای که تمام حکمت‌ها و حق و حقوق همسایگی در آن هست و مانند یک معلم این تعلیم را در زبان و مهمتر از آن در عمل به فرزند خود و همه عالمیان آموختند.

❁ اقتناع اندیشه موضوع با روش توضیح به نمونه

خداوند متعال در قران کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^۲.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردمان (گنجهکار) و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید.

خداوند متعال در این آیه مسئولیت بسیار سنگینی را متوجه سرپرست خانواده می‌کند که در عین سنگینی، دارای منافع ارزشمند دنیایی و آخری است.

اگر تمام پدر و مادرها - که متصدی امور تربیتی فرزندان خود هستند - به این آیه و نکات ارزشمند آن توجه کنند، درصد عمده‌ای از مشکلات خانواده‌ها حل می‌شود و بی‌نظمی و اضطراب و ناامنی از محیط خانه و خانواده خارج می‌گردد و نابسامانی‌ها به سامان می‌رسد.

به تعبیر دیگر، آینده‌ی خانواده و به‌ویژه فرزندان، تنها با تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آنها حاصل نمی‌شود، بلکه مهمتر از آن تغذیه روح و جان آنها و به‌کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است.

نکته بسیار مهم و قابل توجه این آیه، تعبیر «قوا» (نگاهدارید) است؛ یعنی اگر فرزندان و خانواده را به حال خود رها کنید خواه ناخواه به سوی آتش دوزخ پیش می‌روند و این شما هستید که باید آنها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید.^۳

۱ . بحارالانوار، جلد ۱۰، صفحه ۲۵.

۲ . تحریم، ۶.

۳ . تفسیر نمونه آیه ۶ سوره تحریم.

جایگاه تربیت فرزندان در خانواده، بسیار رفیع است؛ بی توجهی به آن می تواند صدمات و ضررهای فراوانی را به خود ما و فرزندان ما و جامعه وارد کند.

رسول مکرم اسلام ﷺ به بعضی از کودکان نگاه می کردند و می فرمودند: «وَيُلِّ الْأَوْلَادِ آخِرَ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَعَهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ»^۱.

وای بر فرزندان آخرالزمان از روش پدرانشان! سؤال شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آنها؟ حضرت فرمودند: نه، از پدران مسلمانشان که چیزی از فرائض دینی را به آنها یاد نمی دهند و اگر فرزندان هم پی فراگیری بروند، آنها را منع می کنند و تنها از این خشنوند که آنها درآمد مالی داشته باشند هرچند ناچیز باشد. سپس فرمودند: من از این پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند!

واقعا امروز وقتی به ساختار خانواده های جامعه نگاه می کنیم، متوجه می شویم که بیان رسول الله ﷺ درحال تحقق است و تمام دغدغه های خانواده ها سواد و مدرک تحصیلی و آموزش زبان خارجی و ... فرزندان است و نقش دین در تربیت آنان جایگاه خاصی ندارد؛ در صورتی که در گذشته های نه چندان دور این گونه نبوده است. روال مرسوم و معهود در زندگی گذشتگان این گونه بوده که والدین، فرزندان خود را بعد از آموختن سواد، نزد علما می فرستادند تا احکام و فرائض دینی را به آنها بیاموزند؛ امروزه این سنت حسنه کمرنگ شده و آثار ندانستن احکام شرعی در بسیاری از مشاغل، به ویژه بازار مسلمین نمود پیدا کرده است.

ایام روز مادر است؛ نقش مادر را نمی شود در تربیت فرزندان نادیده گرفت؛ مادر نقش بسیار مهمی در تربیت فرزندان و مدیریت فضای گرم و صمیمی خانواده دارد.

مادر همچون خورشیدی است که گرمای وجودش محیط خانه را در برمی گیرد و فرزندان در پرتو عشق او رشد می کنند. ممکن است مدتی به دلیل ناسپاسی فرزندان یا شوهر خود غروب کرده و کم نور شود، ولی باز هم الطاف وجودی اش را نثار خانواده

۱. جامع الأخبار، ص: ۱۰۶.

خود می‌کند و بعد از مدتی دوباره طلوع می‌کند. غریزه‌ی مادری باعث می‌شود که حتی اگر در درد و رنج باشد به فکر فرزندان خود بوده و رفاه آنها را به آرامش خودش ترجیح دهد. مادر یکی از مهمترین عوامل در وحدت خانواده است. مادر مهم‌ترین رکن خانواده است و با نقش مهم خود بر تمام اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد. خدا نیاورد روزی را که در خانه‌ای مادر در جایگاه واقعی خود قرار نداشته باشد و اعضای خانواده نسبت به ارزش و احترام این جایگاه کوتاهی کنند.

❁ انگیزه‌سازی پیام

در تعالیم مکتب اهل بیت علیهم‌السلام برای آنکه کانون خانواده به بهترین مکان برای تربیت نسلی الهی تبدیل شود، حقوق اعضای خانواده نسبت به هم به زیبایی مشخص شده است. به عنوان مثال از حق مادر بر فرزندان براساس رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام اشاره کنم، آنجاکه حضرت می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ أُمِّكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَحَدًا وَ وَقَّتَكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا وَ لَمْ تُبَالِ أَنْ تَجُوعَ وَ تُطْعَمَكَ وَ تَعْطَشَ وَ تَسْقِيَكَ وَ تَعْرَى وَ تَكْسُوكَ وَ تَضْحَى وَ تُظْلِكَ وَ تَهْجُرَ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ وَ وَقَّتَكَ الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ لِتَكُونَ لَهَا فَإِنَّكَ لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ»!

و اما حق مادرت این است که بدانی او آنگاه که هیچ‌کس حمل کسی را بر دوش خود نمی‌پذیرفت، تو را بر دوش خود پذیرفت و از میوه‌ی دلش به تو داد؛ آن هنگام که کسی به تو چیزی از خویش نمی‌داد، با تمام اعضایش از تو مراقبت کرد. او باکی نداشت که خود گرسنه بماند، ولی تو را غذا بدهد و نیز خود تشنه بماند، ولی تو را سیراب نماید؛ خود چیزی برای پوشش نداشته باشد، ولی تو را بپوشاند؛ خود در آفتاب بماند، ولی تو را در سایه نگه دارد. او به خاطر تو بی‌خوابی کشید و تو را از گرما و سرما حفظ نمود تا اینکه تو فرزندی برای او باشی. از این رو توان سپاس‌گزاری از او را نداری جز با کمک گرفتن و توفیق خواستن از خدا.

همچنین برای اینکه در یک خانواده فرزندان با تربیت الهی رشد کنند، لازم است

۱. رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام با حق مادر

پدر و مادر حقوق متقابل نسبت به همدیگر را بشناسند و به آن عمل کنند تا کانون خانواده به آرامشی برای تربیت نسلی با برکت آماده شود؛ همچنین فرزندانشان برای همسرداری صحیح در آینده آماده شوند.

❁ افق اندیشه پیام

امام سجاد علیه السلام درباره حقوقی که زوجین بر یکدیگر دارند، به نکات مهمی اشاره کرده است که عبارتند از:

۱. قدردانی از خدا به خاطر نعمت همسر

از منظر امام سجاد علیه السلام همسر چهار نعمت بزرگ الهی را برای شوهر خود به ارمغان می‌آورد: آرامش، آسایش، همدمی و پرستاری: «وَأَمَّا حَقُّ زَعِيَّتِكَ بِمَلِكِ التَّكَاحِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكْنًا وَ مُسْتَرَاحًا وَ أَنْسًا وَ وَاقِيَةً». و اما حق همسرت که به نکاح تو در آمده، این است که بدانی خدا او را مایه آرامش و آسایش و همدم و پرستار تو ساخته است.

زن نیکوی نه بانوی خانه تنها بود
طیب بود و پرستار و شحنه و درمان

وقتی همسر علامه طباطبایی از دنیا رفت، استاد در فقدان همسر بسیار می‌گریست. عرض کردم: ما باید درس صبر را از شما بیاموزیم، چرا بی‌تابی می‌کنید؟ فرمود: او بسیار مهربان و فداکار بود و اگر همراهی‌های ایشان نبود، من موفق به نوشتن و تدریس نمی‌شدم.

شکرگزاری از نعمت وجود همسر باید زبانی و عملی باشد. البته زن نیز باید به خاطر نعمت شوهر از خدا تشکر کند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «وَ كَذَلِكَ كُلُّ أَحَدٍ مِنْكُمْ يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ وَ يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ». و نیز هر کدام از شما زن و شوهر، واجب است که خداوند را به وجود همسرش سپاس گزارد و بداند؛ چون این نعمتی است که خدا به او بخشیده است.

۲. احترام به حقوق متقابل

امام سجاد علیه السلام درباره حقوق زوجین به امور ذیل اشاره می‌فرماید:

۱. لزوم خوش رفتاری با یکدیگر: «وَجَبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ يُكْرِمَهَا وَ يُرْفُقَ بِهَا». «و واجب کرده است که [هر یک از زوجین] با نعمت خدا خوش رفتاری کند و او را گرمی دارد و با او سازگاری کند». مطابق این سخن، زوجین وظیفه دارند که با هم مهربان و خوش رفتار باشند؛ با دیده‌ی کرامت و احترام به هم بنگرند و بکوشند در همه زمینه‌ها با هم تفاهم و سازگاری داشته باشند.

قرآن کریم زوجین را لباس همدیگر معرفی کرده است: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۱.

همان‌گونه که لباس پوشاننده عیوب، حافظ از سرما و گرما، زینت بخش و مایه آرامش انسان است، زن و شوهر نیز باید برای یکدیگر این چنین باشند.

۲. سرپرستی شوهر و لزوم تأمین آرامش زن: هر جمعی برای رسیدن به موفقیت، باید کسی را به‌عنوان رهبر انتخاب کند تا همه اعضا را به‌سوی مقصد حرکت دهد. در کانون خانواده نیز شوهر و پدر خانواده، این نقش را برعهده دارد. بنابراین اهل خانه باید از فرامین او تبعیت کنند تا با سلامت به هدف برسند. شوهر نیز وظیفه دارد با همسر خود مهربان باشد و آرامش و آسایش او را فراهم سازد: «وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَغْلَظَ وَ طَاعَتُكَ لَهَا أَلْزَمَ ... فَإِنَّ لَهَا حَقَّ الرَّحْمَةِ وَ الْمُؤَانَسَةِ ... وَ ذَلِكَ عَظِيمٌ». «و هر چند حق تو بر زنت سخت‌تر و فرمان‌پذیری از تو ... بر او لازم‌تر است، ولی او را نیز حق مهربانی و همدمی است و حق دارد آرامش و آسایشش ... تأمین شود و این، حقی بس بزرگ است».

خدای متعال زن و مرد را از جهت جسمی و روحی به‌گونه‌ای آفرید که بدون هریک نه پیدایش و بقای آنان امکان‌پذیر است و نه نیازهای جسمی و روحی هریک بدون دیگری به‌طور کامل برآورده می‌شود؛ گویا هریک پاره‌ای از یک موجود کامل‌اند و بدون هم ناقص و نسبت به هم مکمل‌اند.

پروردگار هستی با توجه به آفرینش زن و مرد و تفاوت‌های روحی و جسمی آن دو،

۱. بقره، ۱۸۷.

حقوق و تکالیف زناشویی و خانوادگی خاصی به صورت مشترک و خاص برای هر یک قرار داده است تا تأمین‌کننده نیازهای دنیوی و اخروی هر یک به صورت کامل باشد.

۳. مهر و محبت و احترام

زن کانون مهر و محبت است و بهترین کلید همسراری را محبت می‌داند. زن سعادت خویش را در زندگی، مهر و محبت شوهر می‌داند. محبت باعث تحکیم روابط زناشویی می‌شود و رفتار شوهر در افزایش مهر و محبت از ناحیه همسر، بسیار مهم و قابل توجه است؛ چون او تشنه محبت است.

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «كُلَّمَا ازْدَادَ الْعَبْدُ إِيْمَانًا ازْدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ»^۱. هرچه ایمان کامل‌تر باشد بیشتر به همسرش اظهار محبت می‌کند.

۴. نادیده گرفتن خطاها و لغزش‌ها

انسان دچار لغزش و اشتباه می‌شود؛ زن هم از این قاعده مستثنی نیست؛ پس لازم است که مرد با تدبیر و اندیشه، خطاهای احتمالی همسرش را نادیده بگیرد. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: هر مردی که برای خود همسری اختیار کرد، باید در احترام نمودن و گرمی داشتن او بکوشد. خطای زن را در پیش فرزندان بازگو نکنید؛ حتی اگر فرزندان شما خطای مادرشان را یادآوری کردند، شما باید ذهن فرزندان را از این بابت آسوده سازید و احترام مادر را در دل ایشان استوار گردانید. البته بر مادر نیز واجب است که احترام پدر را همیشه به‌یاد فرزندان بیاورد.^۲

۵. همکاری

رسول خدا ﷺ روزی به منزل امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف بردند و ایشان را در حال پاک کردن عدس یافتند؛ از این کار خیلی شاد شدند و او را فرمودند: یا علی، کسی که در کار منزل به زنش کمک کند، ثواب حج عمره دارد.^۳

۱. میزان الحکمه جلد ۱۰ ص ۴۷۰

۲. آیین کامیابی، ص ۱۱۶

۳. خانواده در اسلام، ص ۵۹

۶. تأمین مخارج خانواده

مرد در اسلام، مدیر و سرپرست خانواده است و تأمین کلیه مخارج زندگی و حتی بودجه شخصی زن به عهده مرد است، اگرچه زن دارای درآمدی سرشار باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: برای گناهکاری مرد، همین بس که در تأمین مخارج افراد تحت تکفل خود کوتاهی کند.^۱

اما زن هم نسبت به شوهر خود وظایفی دارد که عبارتند از:

۱. عشق و محبت: اولین نیاز روحی و روانی شوهر، مهر و محبت و دوست داشتن اوست. ابراز محبت، موجب دل‌گرمی و علاقه‌مندی او نسبت به زندگی می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: بهترین زنان شما، زنانی هستند که دارای عشق و محبت باشند.

۲. خوش اخلاقی و رفتار نیکو: اخلاق، در اصل به معنای نهاد، باطن و سیرت است. انسان خوش اخلاق، یعنی انسانی که دارای نهاد و باطنی پاکیزه و ارزشمند است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «سنگین‌ترین اعمال که در میزان اعمال قرار می‌گیرد، حُسن خُلق است».^۲

۳. حیا و عفت: عفت و حیا از صفات نفسانی هستند که شهوت و تمام حرکات و سکنات و گفتار و قلم انسانی را کنترل می‌کنند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «حیا لباسی است که هرکسی آن را بپوشد عیب‌هایش از مردم پوشیده می‌ماند».^۳

۴. تشکر و سپاس‌گذاری: امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «شکرگذارترین شما نسبت به خدا، شکرگذارترین شما نسبت به مردم است».^۴

۵. احترام: زن باید از زحمات شوهرش قدردانی کند و با احترام و محبت با او سخن بگوید و او را با احترام صدا بزند؛ وقتی درب منزل را می‌زند، با لب خندان و چهره‌ای شاد به استقبالش برود و فرزندان را نسبت به احترام پدر سفارش کند. تمام مواردی که شمرده شد هرکدام وظیفه‌ای برای زن یا مرد است، ولی قطعاً همه

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۱.

۲. محجه البیضاء، ج ۳، ص ۲۸۹.

۳. بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۳۷۴.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۹۹.

می‌دانیم که فضای خانه مانند فضای اداره نیست؛ یعنی نمی‌توان کسی را به خاطر رعایت نکردن وظایفش توبیخ کرد و از او بازجویی نمود و بعد هم حکم صادر کرد و حکم را اجرا نمود؛ چون اگر چنین مدلی در زندگی‌ها نهادینه شود، قطعاً زندگی از قالب صمیمیت و محبت و عشق و علاقه خارج می‌شود و به یک فضای پر از نفرت و غضب و تحمل یکدیگر از روی ناچاری تبدیل می‌شود؛ آن چیزی که فضای خانه را از خانه عشق، به خانه نفرت تبدیل می‌کند، این است که هرکدام از زن و شوهر می‌خواهند عدم انجام وظیفه‌ی طرف مقابل را با کاری از آن مدل پاسخ بدهند؛ این درحالی است که مدل پیشنهادی قرآن کریم درست برعکس این مدل است.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»^۱.

و هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست؛ همیشه بدی (خلق) را به بهترین شیوه (که خیر و نیکی است پاداش ده و) دور کن تا همان کس که گویی با تو بر سر دشمنی است دوست و خویش تو گردد.

خداوند متعال در این آیه می‌فرماید جواب بدی را با بدی نمی‌دهند، بلکه جواب را باید با خوبی داد؛ جالب است که در ادامه خداوند متعال در پاسخ به افرادی که می‌گویند اگر بدی را با خوبی جواب بدهیم، طرف مقابل پر رو می‌شود نیز می‌فرماید: اگر شما از این مدل پیشنهادی من استفاده کردید، یکبار بین شما و طرفی که با او دشمنی داشتید دوستی بسیار صمیمی و گرمی رخ می‌دهد.

توجه به نتیجه‌ی کار، انگیزه‌ی انسان را بالا می‌برد. اگر بدانیم که نتیجه‌ی برخورد خوب، تبدیل دشمن به دوست است، انگیزه‌ی این کار در ما زیاد می‌شود. «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ - ... كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»^۲.

اما متأسفانه امروز استفاده از این مدل در خانواده یا دیده نمی‌شود، یا کم دیده می‌شود.

ممکن است در خانواده‌ای زن و شوهر وظایف متقابل خود را انجام بدهند، ولی

۱. فصلت، ۳۴.

۲. تفسیر نور.

در جاهایی یکی از آنها کوتاهی کند؛ در این صورت اگر با مدل تعریف شده خدا کارها را جلو ببرند، فضای آن خانواده فضای رضایمندی و آرامش می‌شود و دیگر در آن خانواده مرد از زن و زن از مرد خود دل‌گیر نیست، بلکه همواره از همدیگر راضی هستند.

❁ احساس پیام

جایگاه رضایت همسران از همدیگر به قدری بالاست که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «لَا شَفِيعَ لِلْمَرْأَةِ أَنْجَحَ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا وَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام قَامَ عَلَيْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي رَاضٍ عَنِ ابْنَةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي رَاضٍ بِهَا قَدْ أَوْحَسْتُ فَأَنْسُهَا»^۱.

برای زن، نزد پروردگارش شفيعی کارسازتر از خشنودی شوهرش نیست. وقتی فاطمه عليها السلام درگذشت، امیرالمؤمنین عليه السلام کنار آن بزرگوار ایستاد و گفت: بار خدایا! من از دختر پیامبر صلی الله علیه و آله تو راضی هستم؛ خدایا! او اکنون تنهاست پس تو همدمش باش.

حال اگر این نارضایتی‌ها در خانواده‌ای ریشه پیدا کند و درمان نشود، پیامدهای جبران‌ناپذیری برای خانواده و حتی دیگران خواهد داشت. اولین پیامدی که نارضایتی زن و شوهر از همدیگر دارد حق الناس قرار گرفتن بر گردن فرد است.

یکی از شاگردان شیخ رجبعلی خیاط نقل می‌کند: زنی بود که شوهرش سید و از دوستان جناب شیخ بود؛ او خیلی شوهرش را اذیت می‌کرد. پس از چندی آن زن فوت کرد؛ هنگام دفنش جناب شیخ حضور داشت. بعد می‌فرمودند: «روح این زن جدل می‌کند که: خوب! مُردم که مُردم چطور شده!

موقعی که خواستند او را دفن کنند اعمالش به شکل سگ درنده سیاهی شد؛ همین‌که خانم فهمید این سگ باید با او دفن شود، متوجه شد که چه بلایی در مسیر زندگی بر سر خود آورده، شروع کرد به التماس و التجاء و نعره زدن! دیدم که خیلی ناراحت است؛ لذا از این سید خواهش کردم که حلالش کند، او هم به خاطر من

۱. بحار الأنوار ۱۰۳/۲۵۶

حلالش کرد؛ سگ رفت و او را دفن کردند! این اثر مجادله در زندگی است که تبدیل به حلقه‌ای آتش شده و بر گردن ما انداخته می‌شود.
در زمینه جایگاه ترک جدل وجود نازنین رسول الله ﷺ می‌فرماید: «لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَدَعَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحَقًّا»^۲.
هیچ بنده‌ای کاملاً به حقیقت ایمان نرسد، مگر آنگاه که مجادله را رها کند، هرچند بر حق باشد.

✿ رفتارسازی پیام

موفق بودن یک خانواده و رعایت حقوق خانواده مستلزم چند نکته است:

۱. آشنایی با حقوق همسران در فضای خانواده

اولین چیزی که باید به آن توجه داشته باشیم این است که هرکدام از زن و شوهر باید با وظایف و حقوق خود آشنا شوند. خیلی وقت‌ها توجه نداشتن به وظایف و حقوق دیگران، به دلیل ناآشنایی با وظایف و حقوق است. در این زمینه در کتاب ۲ جلدی حجت‌الاسلام وحیدی مجموعه مباحث فقهی و اجتماعی در تحلیل «نظام خانوادگی» و ارکان آن از دیدگاه اسلام مطرح گردیده است و در باب مسائل مختلف زناشویی، ازدواج و ... احکام آنها بیان شده است.

۲. توجه به وظایف خود در خانه را بهترین فرصت کار برای خدا بدانیم

بانو مجتهده امین، فقیه، عارف، حکیم و مفسر قرآن مشهور اصفهانی است که با تأیید علما و مراجع تقلید وقت به دریافت درجه اجتهاد و روایت نائل می‌گردد. او به بانو امین شهرت دارد.

مرحوم بانو امین از برخی علمای بزرگوار مانند مرحوم آیت‌الله اصطهباناتی اجازه اجتهاد دریافت کرده بود.^۳

۱. <https://www.blogsky.com/mamlook/32-post/1387/08/06/com>

۲. منية المرید: ۱۷۱.

۳. سایت ویکی اهل بیت

بانو امین، سالک إلى الله بود. مباحث عرفانی ایشان گفتنی نیست. شما این کتاب نفاتح الرحمانیه ایشان را بخوانید؛ یک زن روحانی مطابق قرآن بود. می گفت هیچ ریاضت نفسی مانند خانه داری نیست. از این رو بهترین خانه داری ها را می کرد. دائم می گفت زن از خانه شوهر به بهشت یا به جهنم می رود.^۱

✽ پرورش احساس موضوع

اگر مادر بتواند جایگاه معلم بودن خود را در خانواده حفظ و حتی تقویت کند، پایه های تربیتی خانه به نحو احسن شکل خواهد گرفت. مهمترین اتفاقی که برای یک خانواده با پایه های تربیتی مناسب رخ می دهد، این است که خانوادگی اهل بهشت می شوند. واقعاً چه صفایی دارد بهشتی که در آن انسان خانوادگی حضور داشته باشد.

«جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ»^۲

باغ های جاویدان بهشتی که همراه پدران و همسران و فرزندان صالحان، وارد آن می شوند و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می گردند.

در آیه ای دیگر در این زمینه خداوند متعال می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ»^۳

و کسانی که اهل ایمان باشند و فرزندانشان آنها را در ایمان پیروی کرده اند، فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی از کار [ها]شان را نمی کاهیم. هرکسی در گرو دستاورد خویش است.

نعمت بزرگی است که انسان، فرزندان با ایمان و مورد علاقه اش را در بهشت در کنار خود ببیند و از انس با آنها لذت ببرد، بی آنکه از اعمال او چیزی کاسته شود. از تعبیرات آیه برمی آید که منظور، فرزندان بالغی است که در مسیر والدین گام

۱. خبر گزارى حوزه

۲. رعد، ۲۳.

۳. طه، ۲۱.

برمی‌دارند و در ایمان از آنها پیروی می‌کنند و از نظر مکتبی به آنها ملحق می‌شوند. ابن عباس نقل می‌کند که پیغمبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «اذا دخل الرجل الجنة ساءل عن ابويه و زوجته و ولده، فيقال له انهم لم يبلغوا درجتك و عملك، فيقول رب قد عملت لى و لهم فيؤمر بالحقهم به»^۱.

هنگامی که انسان وارد بهشت می‌شود سراغ پدر و مادر و همسر و فرزندانش را می‌گیرد؛ به او می‌گویند: آنها به درجه و مقام و عمل تو نرسیده‌اند؛ عرض می‌کند پروردگارا! من برای خودم و آنها عمل کردم؛ در اینجا دستور داده می‌شود که آنها را به او ملحق کنید!

این جایگاه یک خانواده موفق در بحث تربیت دینی است؛ این جایگاه خانواده‌ای است که پدر و مادر توجه به وظایف و حقوق افراد خانواده داشته‌اند. اما چنانچه خانواده‌ای توجه به این وظایف و حقوق نداشت، جزو خانواده‌هایی می‌شود که در دنیا و آخرت خسارت دیده‌اند.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»^۲.
یا رسول الله ﷺ به مردم بگو: همانا زیانکاران (واقعی) کسانی هستند که سرمایه‌ی وجودی خویش و بستگان‌شان را در قیامت از کف داده باشند؛ آگاه باش، این همان زیان آشکار است.

❁ تأثیر زیاد اعتقاد به حیات پس از مرگ در تنظیم اعمال و رفتار

حقیقت خسران و زیان؟ گاهی «خسران» در مورد سرمایه‌های ظاهر به‌کار می‌رود، مانند مال و مقام دنیوی؛ گاهی نیز در سرمایه‌های معنوی مانند صحت و سلامت و عقل و ایمان و ثواب به‌کار می‌رود و این همان چیزی است که خداوند آن را «خسران مبین» نام نهاده است... هر خسروانی که خداوند در قرآن بیان کرده اشاره به معنی دوم است نه آنچه مربوط به سرمایه‌های دنیوی و تجارت‌های

۱. تفسیر نمونه سوره طور آیه ۲۱.

۲. زمر، ۱۵.

معمولی است. قرآن در حقیقت انسان‌ها را به تجارت‌پیشگانی تشبیه کرده که با سرمایه‌های سنگین، قدم به تجارت‌خانه‌ی این جهان می‌گذارند؛ بعضی سود کلانی می‌برند و گروهی سخت زیان می‌بینند.^۱

✿ رفتارسازی موضوع

اعضای یک خانواده علاوه‌بر اینکه یک‌سری وظایف شخصی برای خود دارند، یک‌سری وظایف و تعهدات نیز برای اعضای دیگر خانواده دارند که باید به این وظایف توجه به‌سزایی داشته باشند؛ شاید این بی‌توجهی آنها به این وظایف، منجر به پیامدهای جبران‌ناپذیری برای فرزندانشان گردد.

شیخ مرتضی انصاری از علما و مراجع برجسته قرن سیزدهم بود. کتاب‌های درسی «مکاسب» و «رسائل» که در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود، از تألیفات ایشان است. وی زاهد و عابدی بی‌مانند بود و از نظر علم و جنبه‌های معنوی، یگانه‌ی عصر به‌حساب می‌آمد. وقتی به مادرش گفتند: فرزندت به درجات عالی علم و تقوا رسیده است، در پاسخ گفت: من در انتظار آن بودم که فرزندم ترقی بیشتری داشته باشد؛ زیرا من به او شیر ندادم، مگر اینکه با وضو بودم و حتی در شب‌های سرد زمستان هم بدون وضو او را شیر ندادم.^۲

دقیقاً این توجه مادر به شیر دادن با وضو به فرزندش منجر به این شد که شیخ انصاری، شیخ انصاری شود؛ اگر مادری نسبت به این امور بی‌توجه باشد قطعاً فرزندان او نیز در معنویت رشدی نخواهند داشت.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورد مادرشان می‌گویند: مادرم خانم بسیار فهمیده، باسواد، کتابخوان، دارای ذوق شعری و هنری، حافظ‌شناس و با قرآن کاملاً آشنا بود. ما وقتی بچه بودیم، همه می‌نشستیم و مادرم قرآن می‌خواند؛ خیلی هم قرآن را شیرین و قشنگ می‌خواند. ما بچه‌ها دورش جمع می‌شدیم و برایمان به مناسبت، آیه‌هایی را که در مورد زندگی پیامبران است، می‌گفت. من خودم اولین بار، زندگی حضرت

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص: ۴۱۰.

۲. صد حکایت تربیتی صفحه ۶۰.

موسی علیه السلام زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام و بعضی پیامبران دیگر را از مادر - به این مناسبت - شنیدم. قرآن که می خواند به آیتی که نام پیامبران در آن است می رسید، بنا می کرد به شرح دادن.^۱

این مصداق بارزی از تربیت قرآنی است که قطعاً این مادرها از یک مادری به نام فاطمه علیها السلام الگو گرفته اند.

حضرت زهرا علیها السلام روحیهی تعبد و بندگی را از کودکی به فرزندانش می آموخت و آنها را در حد طاقتشان با عبادت آشنا می کردند، به گونه ای که حضرت در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان کودکان خود را به بیداری و نخفتن وادار می کرد. حضرت در روز بچه ها را می خوابانید تا کاملاً استراحت کنند و غذای کمتری به آنان می داد تا زمینه و موقعیت بهتر و مطلوب تری از نظر جسمی و روحی برای شب زنده داری داشته باشند. حضرت به حدی در این کار جدی و قاطع بودند که نمی گذاشت احدی از اهل خانه خوابش ببرد و می فرمودند: محروم است کسی که از برکات شب قدر محروم بماند.

گویا حضرت فاطمه علیها السلام می خواهند از دوران کودکی در قلب پاک فرزندان خود جمال خدا را به تجلی و جان و زبانشان را به حلاوت و شیرینی عبادت آشنا کنند و محبوب راستین را به آنان نشان بدهد تا در جوانی جذب جلوه های دروغین نشوند. این روش تربیتی حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان یک سنت بسیار پسندیده و قابل اجرا، در گفتار امامان معصوم علیهم السلام نیز به چشم می خورد.

حضرت فاطمه علیها السلام از همان دوران کودکی با فرزندانش هم بازی می شدند و به این نکته نیز توجه داشتند که در بازی، نوع الفاظ و حرکات مادر سرمشق کودک قرار می گیرد. بنابراین باید از کلمات و جملات مناسبی استفاده کرد. افزون بر این باید در قالب بازی و شوخی، شخصیت کودک را تقویت کرد و او را به داشتن نیکی ها و ارزش های اکتسابی تشویق و راهنمایی نمود.

نقل شده است که حضرت زهرا با فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام بازی می کردند و او را بالا می انداخت و می فرمودند:

۱. (زندگی نامه مقام معظم رهبری) پایگاه اطلاع رسانی دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی

پسرم حسن، مانند پدرت باش؛ ریسمان ظلم را از حق بکن؛ خدایی را بپرست که صاحب نعمت‌های متعدد است و هیچ‌گاه با صاحبان ظلم و تعدی، دوستی مکن.

حضرت مجتبی‌الکلیله در پنج‌سالگی هر روز به مسجد می‌رفتند و از کلمات و مواعظی که پیغمبر اکرم ﷺ در مسجد بیان می‌فرمودند، همه آنچه را که به ذهن مبارک خود می‌سپردند، به خانه می‌آمدند (و به اقتضای ادای حق علم که نشر است) برای مادر بزرگوار خود حرف‌به‌حرف بیان می‌کردند و چون امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خانه تشریف می‌آوردند، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام آنها را برای آن جناب بازگو می‌کردند.

روزی حضرت علی علیه السلام پرسیدند: ای فاطمه، تو به مسجد حاضر نبودی از کجا این کلمات را فهمیدی؟ گفت: فرزندم حسن هر روز آنچه پدر بزرگوارم بر منبر می‌گوید، بی‌کم‌وکاست به همان ترتیب برایم بیان می‌کند.

چنان‌که گفتیم، فاطمه زهرا علیها السلام با کودکان خود گفت‌وگوهای علمی داشتند و آنان را به بیان نطق علمی تشویق می‌کردند و این کار مادر، افزون بر انس امام حسن مجتبی علیه السلام با مسجد، سبب می‌شد که وی با شوق و اشتیاق، همه‌ی مواعظ و کلمات پیامبر اکرم ﷺ را به ذهن بسپارد.^۱

این گوشه‌ای از سبک زندگی بی‌بی دو عالم در مورد انجام وظایف مادری خود است و اینکه فاطمه زهرا علیها السلام قبل از هر چیزی خود را معلم فرزندانش می‌دانست. ان‌شالله به حق بهترین مادر عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تمام مادران و پدارن نسبت به وظایف و حقوق خود احاطه‌ی کامل داشته باشند.

آمین یا رب العالمین

۱. مجله گنجینه مهر ۱۳۸۴، شماره ۵۴ جلوه‌های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام درباره فرزندانش نویسنده: سیده سهله تقوی



هست مادرت

واژه زیبای « مادر هستی » وقتی با میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها همراه می شود، همه ما رو به روز تقدیر از زحمات مادران این سرزمین گره می زند، روزی که فرصت مغتنمی برای گفتن و شنیدن از برترین مادر خلقت و ارائه بهترین الگو برای مادری کردن محسوب می شود و این نوشتار به دنبال این است که در این ایام نورانی، سخنرانان مجالس بانوی دو عالم، با بیانی زیبا و تاثیرگذار به جایگاه بی بدیل مادر در خانواده بپردازند

